



پارسه پاسارگاد

Parsa Pasargadae

Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter

فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد

سال ششم / شماره ۱۹ / تابستان ۱۴۰۰



■ عکس روی جلد: آرامگاه کورش کبیر، پاسارگاد - عکس از: افشین آریافر

- ۱ ■ سخن سردبیر: یادداشت دکتر حمید فدایی
- ۲ ■ اختصاصی: نگاهی به ساختمان A در برزن جنوبی تخت جمشید
- ۸ ■ بازتاب: نکاتی در مورد سرگذشت کتیبه بابلی مستقر در گوشه شمال غربی کاخ H
- ۱۲ ■ رویداد: گزارشی مختصر از فعالیتهای فصل تابستان کارگروههای مختلف در تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد
- ۲۲ ■ از دریچه دوربین: سالروز ثبت جهانی پاسارگاد، سالروز ثبت ملی باغ پاسارگاد
- ۲۴ ■ یادمان: سالشمار زندگی پربار پرفسور احسان یارشاطر
- ۲۸ ■ روایت یک بازدید: تخت گوهر و اهمیت دو بنای هخامنشی آن
- ۳۰ ■ بیشتر بخوانیم: شهر استخر؛ بررسی عوارض جغرافیایی و شواهد باستان شناختی پیرامون محوطه



پارسیه پاسارگاد

فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد
 Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter / شماره ۱۹ / تابستان ۱۴۰۰

مدیر مسئول: حمید فدایی - افشین ابراهیمی

سردبیر: حمید فدایی

ویراستار: مهرناز بردبار

امور اجرایی: مهرناز بردبار - فرزانه گرامی

هیات تحریریه: کارشناسان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد

طراحی لوگو، یونیفورم و صفحه آرای: افشین آریافر / کانون تبلیغات کوب: ۰۹۱۷۱۱۶۶۱۱۵

نشانی:

دفتر شماره ۱: فارس - مرودشت - مجموعه میراث جهانی تخت جمشید

دفتر شماره ۲: فارس - مرودشت - مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

تلفن دفتر شماره ۱: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۵۶ داخلی ۲۱۲ / تلفن دفتر شماره ۲: ۰۹۱-۴۳۵۸۲۷۹۰-۷۱

دورنگار: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۷۲

آدرس وب سایت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد:

www.persepolis.info

www.pasargadae.info

تلگرام:

@persepolis_world_heritage_site

@pasargadae_world_heritage_site

اینستاگرام:

@persepolis.whs

@pasargadae_whs

ایمیل:

info@persepolis.ir

بنابراین میراث صخره ای به ویژه از نوع سنگ نبشته های آن به جهت ارزشی از دو جنبه حایز اهمیت فراوان است: نخست آنکه این هنر را می توان یکی از مهمترین اسناد برای شناخت تاریخ گذشته بشر در نظر گرفت به گونه ای که گاه در قالب آثار فاخری همچون سنگ نبشته داریوش در بیستون نه تنها در شناخت فرهنگ ایران زمین نقش ویژه ای ایفا می نماید بلکه در شناسایی فرهنگ جهانی نیز جایگاه بسزایی دارد و دوم نقش این آثار در برقراری ارتباطات و با بهره گیری از ابزارهای نمادین است که در نهایت به پیدایش خط منجر شده است. در این دیار که میراث مکتوب آن بارها در اثر تهاجم اقوام مختلف از بین رفته است، سنگ نبشته ها نقشی بارز در حفظ فرهنگ و تمدن این سرزمین ایفا نموده است. در واقع علاوه بر ارزش واقف سنگ نبشته ها به عنوان میراث مادی، آنها به جهت مفاهیم زبانی نیز بخشی از ارزش های میراث معنوی را با خود به همراه دارند که خود ارزشی مضاعف بشمار می رود و این هر دو میراث در صورت فرسایش و تخریب قابلیت بازسازی ندارند.

متأسفانه میراث صخره ای در معرض مخاطرات و تهدیدهای محیطی و انسانی فراوانی است که خود ازدیاد نرخ فرسایش آن را به خصوص در چند دهه اخیر به دنبال داشته است. واقع شدن آثار در مناطق عمدتاً کوهستانی دور از دسترس و شرایط بد آب و هوایی با سرمای شدید تا درجات پایین تر از صفر در کنار منابع رطوبتی ناشی از بارندگی و بارش، رشد گلشنکها و دیگر عوامل زیستی، تمرکز فعالیت های توسعه ای و صنعتی در مجاورت این آثار و ازدیاد تولید آلاینده های جوی، اختلال در نظام آب و هوایی و ... امروزه باعث فزونی و شتاب در انواع فرسایش های فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی در میراث صخره ای شده است. همه این مشکلات مدیریت و حفاظت از این آثار را با مشکلات عدیده ای مواجه ساخته است و بیم آن می رود در آینده ارزش های نهفته در میراث صخره ای با مخاطرات بیشتری مواجه گردد.

راه اندازی مرکز پژوهش های کتیبه شناسی در پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با اهدافی همچون: مطالعه و بازخوانی کتیبه های پیشین، شناسایی و خوانش کتیبه های جدید و مستندنگاری دقیق این بخش از میراث غنی بشری، تلاش دارد ضمن بهره برداری از ظرفیت های حفاظتی موجود در پایگاه و استفاده از راهکارهای حفاظتی در نگاهداشت ارزش های نهفته در این آثار، زمینه ساز معرفی و تداوم این ارزش ها و انتقال آن به آیندگان باشد.



حمید فدایی

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید
عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی

شواهد صخره نگاری در سینه کوهها در ادوار مختلف تاریخی تا زمان حال قابل پیگیری است و خود بخشی از میراث صخره ای این سرزمین را شکل داده است. این میراث که در قالب نقوش صخره ای و سنگ نبشته ها وابستگی غیر قابل گسستی با بستر سنگی کوه دارد، در سرزمین پهناور فارس و در قیاس با دیگر مناطق پر تعداد می باشد. تعدد این آثار به خصوص از دوران هخامنشی و ساسانی در تخت جمشید، نقش رستم، نقش رجب و شهر استخر بعنوان گنجینه ای از میراث مکتوب بشری قلمداد می گردد.

بطور معمول صخره ها در دوره های مختلف تاریخی به جهت در دسترس بودن و پایداری و ماندگاری خود یکی از مکان های مورد توجه در خلق آثار و به یادگار گذاشتن مفاهیم و پیام های مهم انسانی بوده است. در میان میراث صخره ای، سنگ نبشته ها با پیشینه ای کهن، بخش مهمی از میراث مکتوب ما را شکل داده است و می توان مراحل تکوین خطوط را از دوره های آغازین پیش از تاریخ تا دوران تاریخی و اسلامی در آن دید که خود به جهت ارزشی حایز اهمیت فراوان است. متخصصین دسته ای از این آثار را موسوم به ریزنگاره ها، سرمنشاء و بستر پدید آمدن خط، زبان، تاریخ، هنر و فرهنگ می پندارند و می توان آنها را از مهمترین ابزار رمزگشایی پیش از تاریخ بشمار آورد.



۱- نمایی از برزن جنوبی تخت جمشید و موقعیت 'ساختمان A' در آن. دید از جنوب به شمال (عکس: ع. اقرا).

نگاهی به 'ساختمان A' در 'برزن جنوبی' تخت جمشید

محمدتقی عطائی و نوروز رجبی

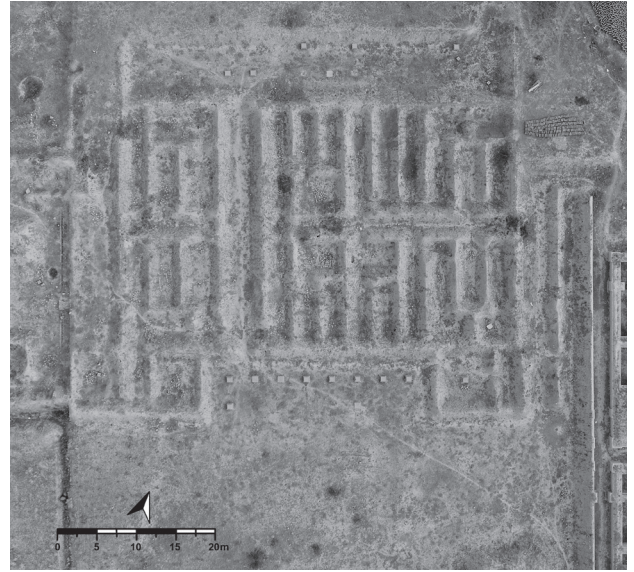
درآمد

در برزن جنوبی فعالیتی انجام نداد ولی نقشه-ای را که کارل برگنر-معمار هیأت هرتسفلد-از سازه‌های مکشوفه در برزن جنوبی تهیه کرده بود در کتابش منتشر نمود (Schmidt 1953: 55, fig. 14) پس از خروج هیأت آمریکایی از تخت جمشید و در دوره سرپرستی علی سامی، بخش‌های دیگری از 'برزن جنوبی' نیز کاوش شد که البته شامل ساختمان A نمی‌شد. در اواخر دهه ۴۰ ه.خ. هیأتی به سرپرستی علی-اکبر تجویدی مأمور رسیدگی به وضعیت 'برزن جنوبی' شد. هدف او، علاوه بر ساماندهی آنجا، تداوم کاوش‌ها و هویدا ساختن نقشه معماری ساختمان‌های این بخش و انتشار نتایج آن و تلاش در پی یافتن محل سکونت ساکنان شهر پارسه بود. تجویدی از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۲ طی ۵ فصل بخش بزرگی از ساختمانهای این قسمت را از دل خاک بیرون آورد و نتایج آن را در کتابی با عنوان «دانستنی‌های نوین درباره هنر و معماری عصر هخامنشی بر بنیاد کاوش‌های پنج ساله تخت جمشید» در سال ۱۳۵۵ منتشر نمود. هیأت تجویدی همزمان، مرمت بناهای تازه کاوش شده را هم در برنامه خود گنجانده و به این ترتیب، تقریباً تمام بناهای کاوش شده با مصالحی غالباً خشتی و گاهی آجر حفاظت، ساماندهی و استحکام بخشی شد. با وجود برخی مرمت‌های جزئی که در سال‌های پس از پایان کار هیأت تجویدی انجام شد، 'برزن جنوبی' در تمام این سال‌ها، به حال خود رها شده بود. نیروهای فرساینده طبیعی، رها شدن مجموعه

'برزن جنوبی' اصطلاحی است که علی‌اکبر تجویدی برای بقایای ساختمان‌های متعدد واقع در کفه جنوبی تخت جمشید بکار برده است (تصویر ۱). ارنست هرتسفلد، برای نخستین بار بخش‌هایی از آنها را کاوید. در ضمن این عملیات، بخشی از 'حیاط سنگی'، بخش کوچکی از ساختمان واقع در شرق آن، بخش بزرگی از ساختمان ستوندار در غرب آن و بخش کوچکی از ساختمانی که با فاصله در شمال آن واقع بود و بعدها با عنوان ساختمان A شناخته شد، کاوش شد. کاوش‌ها به دستاوردهای خوبی منتهی شد؛ ولی هرتسفلد درباره آن اطلاعاتی منتشر نکرد. تا همین اواخر حتی زمان شروع این کاوش‌ها نادانسته بود ولی برپایه گزارش‌های هفتگی سید محمدتقی مصطفوی ناظر اداره عتیقات به علی‌اصغر حکمت وزیر معارف، از زمان شروع این کاوش‌ها آگاه شده‌ایم. او در ضمن گزارش نمره ۷۷ به تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۱۲، خبر از آغاز کاوش‌ها در برزن جنوبی از ۱۰ اسفندماه می‌دهد. خبرهای دیگری از این کاوش‌ها در گزارش‌های بعدی او ثبت است که در اسفندماه و بهار سال بعد ارسال شده است. اریک اشمیت



۲- نمایی از یکی از پایه‌ستون‌ها و شالوده زیر آن.



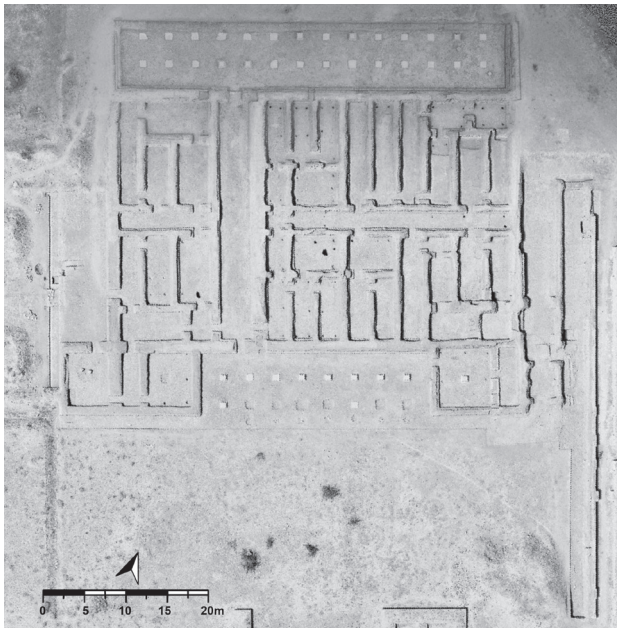
۲- تصویر هوایی عمود از 'ساختمان A' پیش از انجام عملیات باستان‌شناسی (عکس: ع. اقرا).

توصیف 'ساختمان A'

'ساختمان A' پس از 'ساختمان H' که بلافاصله در جنوب شرق آن قرار دارد، دومین مجموعه بزرگ ساختمانی در 'برزن جنوبی' تخت جمشید است. چنانکه می‌دانیم، راستای کلی تمام ساختمان‌های روی تختگاه و 'برزن جنوبی' از ۱۹ تا ۲۱ درجه از شمال به سمت غرب انحراف دارند. این ساختمان دارای دو ایوان ستوندار در شمال و جنوب است. ایوان شمالی دارای ۲۸ ستون (دو ردیف ۱۴ تایی) و ایوان جنوبی دارای ۱۶ ستون (دو ردیف ۸ تایی) است. هر ستون، دارای یک شالوده از سنگ آهک خاکستری رنگ است. این شالوده درون خاک قرار داشته و سطح هموار آن با سطح کف ایوان برابر است. پایه‌ستون‌های مکعب دوپله‌ای که از سنگ آهک سیاه رنگ تراشیده شده‌اند روی شالوده سوار می‌شوند. اندازه و شکل پایه‌ستون‌های هر دو ایوان با وجود تفاوت‌های جزئی تقریباً با هم برابر و همسان‌اند. اندازه مکعب پایینی $۱۶ \times ۷۹ \times ۷۹$ و اندازه مکعب بالایی $۱۳ \times ۶۲ \times ۶۲$ سانتیمتر است (تصویر ۳). روی هر پایه‌ستون یک شالی بسیار ظریف و خوش‌تراش به سبب برای ۶ سانتیمتر سوار می‌شده است (تصویر ۴). تا آنجا که می‌دانیم تاکنون شالی ستونی به این ظرافت از بنای دیگری از دوره هخامنشی گزارش نشده است. به طور کلی باید گفت که تراش و مرمت‌های عناصر سنگی با دقت بسیار بالایی انجام گرفته و از این نظر به سبک کار بناهای پاسارگاد شبیه است.

دستکاری‌های انسانی، باعث محو شدن کلی نقشه‌های معماری فضاها و ساختمان‌های این قسمت شده بود؛ به‌گونه‌ای که تشخیص واحدهای ساختمانی و اجزاء درونی آنها یا با دشواری صورت می‌گرفت یا ناممکن بود. همچنین، توجه به بازدید پذیر کردن مجموعه برای گسترش بخش‌های گردشگرپذیر، ضرورت ساماندهی مجموعه 'برزن جنوبی' را بیش از پیش روشن و آشکار کرد. با این ملاحظات، مدیریت مجموعه، فرصت مناسب برای کاوش، حفاظت و ساماندهی مجموعه را فراهم آورد و با صدور مجوز از سوی پژوهشکده باستان‌شناسی در اوایل تابستان ۱۳۹۷، این برنامه با آواربرداری، کاوش و ساماندهی 'ساختمان A' که در نزدیک‌ترین نقطه به تختگاه و یکی از آسیب‌دیده‌ترین ساختمان‌های مجموعه برزن جنوبی است، آغاز شد (تصویر ۲).

ساختمان‌های 'برزن جنوبی' تخت جمشید بر روی یک مخروط افکنه که حاصل رسوبات سیلابی (مخلوط) کوه رحمت (مهر) است، ایجاد شده است. شیب کلی این مخروط افکنه از شرق به غرب است. سختی و فشردگی این رسوبات سبب شده تا نیازی به پی‌ریزی و استحکام‌بخشی زیرسازی بناها برای جلوگیری از نشست خاک، وجود نداشته باشد. برای برپایی ساختمان‌ها ابتدا سطح این مخروط افکنه را سکوبندی و سپس هموار و یکدست ساختند. یکی از این سکوها درست در غرب 'ساختمان A' قرار دارد.



۵- تصویری هوایی عمود از 'ساختمان A' پس از اتمام عملیات باستان شناسی (عکس: ع. اقرا).



۴- قطعه ای از شالی ستون بازیافتی از 'ساختمان A'.

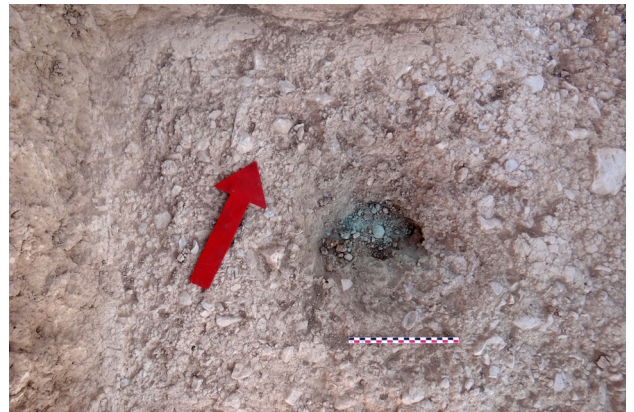
سکو با سنگ‌های بزرگ نتراشیده ساخته شده و سنگ‌ها را طوری چیده‌اند که نمایی صاف و عمودی به دست آید. در پای این فضای روباز، یک آبراهه سرتاسری با درازای حدود ۲۶ متر در راستای شمالی-جنوبی از چیده شدن چندین تخته‌سنگ بزرگ و خوش‌تراش در کنار هم دیده می‌شود. مقطع آبراهه به شکل U است. در گوشه شمال شرقی ایوان شمالی بقایای یک آبراهه دیگر یافت شد که برخلاف آبراهه پیشین، از مصالح بی کیفیت همچون لاشه‌سنگ، پاره آجر و قطعات ناودان سفالی به شکلی نامنظم ساخته شده است. تجویدی حدود ۲۰ متر از این آبراهه را با راستای شرقی-غربی کاوش کرده بود و ما آنرا دوباره پاک‌سازی کردیم. در گوشه جنوب شرقی ساختمان و در شرق ایوان جنوبی، یک واحد، متشکل از دو فضا قرار دارد که تنها ورودی آن به ایوان جنوبی باز می‌شود. در مرکز فضای بزرگتر غربی این واحد یک پایه ستون، مشابه پایه‌ستون‌های دیگر یافت شد. لازم به ذکر است که تمام سطوح درونی بنا و دو معبر شرقی آن با اندود معدنی سبز رنگ پوشانده شده بود.

متأسفانه تجویدی اندازه هیچ کدام از فضاها و ستبرای هیچ کدام از دیوارها را ثبت نکرده است. نقشه تجویدی از این بنا بسیار کوچک منتشر شده و چندان قابل استفاده در مطالعات باستان-

در ایوان شمالی تمام ۲۸ شالوده پایه‌ستون‌ها موجود بوده، ولی تنها ۵ پایه‌ستون بر جای خود باقی مانده است. در ایوان جنوبی از ۱۶ پایه‌ستون، فقط ۱۰ شالوده پایه‌ستون و ۷ پایه-ستون باقی مانده است. در کاوش‌های هرتسفلد و تجویدی از قلمه‌ستون‌ها و سرستون‌ها بقایایی به دست نیامد، با این حال به احتمال بسیار زیاد این بخش‌ها از چوب ساخته شده بودند. برخلاف سبک معماری رایج دوره هخامنشی، درون ساختمان، فضای‌های ستون‌دار وجود ندارد، بلکه مملو از فضاهای تودرتو است. ساختمان به وسیله یک راهرو سراسری به دو نیمه نامتقارن تقسیم شده است. این راهرو امکان ارتباط ایوان شمالی به جنوبی و دو بخش شرقی و غربی ساختمان را فراهم می‌کرد. بر اساس دست‌آوردهای هیأت حاضر، چنین به نظر می‌رسد که بخش شرقی ساختمان ابتدا ساخته شده و سپس بخش غربی و دو ایوان شمالی و جنوبی به آن افزوده شده‌اند. بخش شرقی در بردارنده ۳۰ فضای (انبار، اتاق، تالار و پستو) جداگانه است. هر چند فضا، تشکیل یک واحد مجزا و مستقل (در کل ۷ واحد) را می‌دهند که هر یک ورودی جداگانه خود را دارد. بخش غربی نیز در کل در بردارنده ۱۳ فضا بوده که همه آنها به هم راه دارند و از طریق دو ورودی به فضای ایوان مانندی می‌رسند که در غرب ساختمان قرار دارد. از آنجایی که در فضای اخیر هیچ پایه‌ستون یا شالوده‌ای از پایه‌ستون یافت نشده، احتمال دارد که این فضا روباز بوده باشد. این فضا روی یک سکو به بلندی ۹۵ سانتیمتر ساخته شده است. نمای



۷- نمایی از گودال زباله.

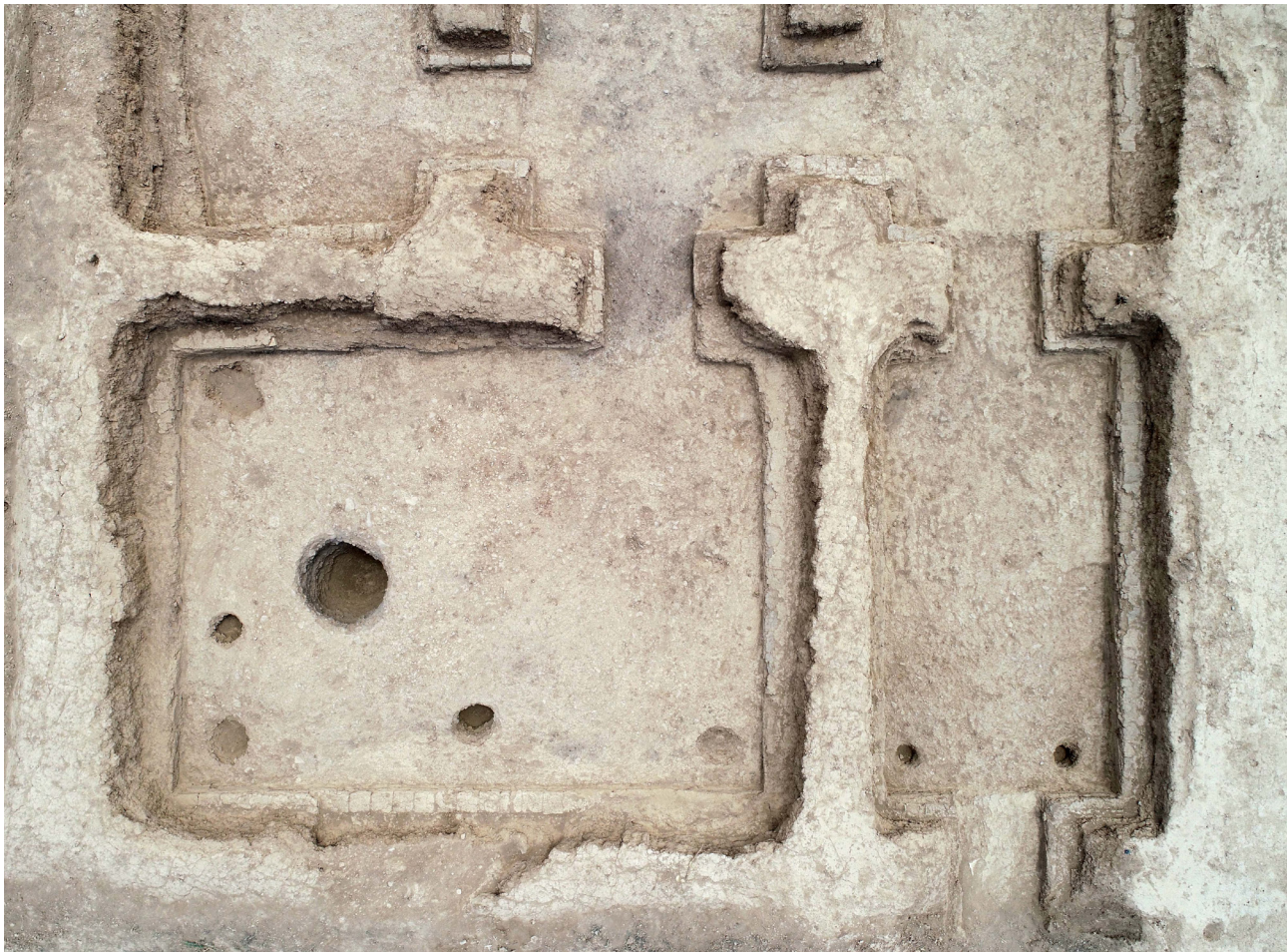


۶- نمایی از یک چاله دیرک پیش از کاوش.

که این گودال بخش پایانی یک حفاری قاچاق قدیمی در این ساختمان بوده باشد. اما گودالی که در بخش شرقی ساختمان پیدا شد (تصویر ۷ و ۸)، دارای مواد باستانی از جمله دورریز مواد غذایی همچون خرده استخوان و نیز الواح گلی نانبشته(؟) بود (تصویر ۱۰).

در برنامه ساماندهی و کاوش دوباره 'ساختمان A'، گودی مربوط به شالوده پایه ستون‌های گمشده در ایوان جنوبی نیز مشخص شد. گودی مربوط به شالوده یک پایه ستون در فضای بزرگ غرب ایوان جنوبی ثابت می‌کند که پوشش این فضای نسبتاً بزرگ نیز همچون فضای روبرویی خود در آن سوی ایوان، متکی به تک ستونی در مرکز این فضا بوده است. همچنین در یکی از اتاق‌های گوشه جنوب-غربی بخش غربی ساختمان، تکه‌ای از پای مجسمه حیوان (اسب؟) به دست آمد (تصویر ۱۱). این قطعه به احتمال بسیار زیاد مربوط به دو مجسمه شکسته حیوانی (اسب؟) بوده که در حیاط سنگی در پای پلکان اصلی در ضلع جنوبی این حیاط برپا بوده‌اند. این تکه نیز مانند آن دو مجسمه از سنگ آهک شیری رنگ تراشیده شده است. از مهمترین یافته‌های هیأت حاضر، می‌توان به یک قطعه از دستبند دوسر سیمین منتهی به سر قوچ (تصویر ۱۱) اشاره کرد. با بررسی دقیقتر این یافته، متوجه نکاتی می‌شویم که در گزارش‌های مورخان باستانی از غارت تخت جمشید آمده است. به عنوان مثال 'دیودوروس' در کتاب هفدهم بند ۷۰ و بعد از آن غارت شهر را چنین توصیف کرده است: «شهر پارسه پایتخت شاهنشاهی پارسیان بود ... توانگرترین شهر در روی زمین شمرده میشد و خانه‌های افراد عادی هم از وسایل گرانبها

شناسی نیست (تجویدی ۱۳۵۵: ۱۰۴-۹۳، شکل ۲۲). در برنامه میدانی تابستان ۱۳۹۷، تمامی بخش‌های فرسایش یافته دیوارها، خاکبرداری شد تا به سطح خشت‌ها یا چینه‌های اصلی و هنوز برج‌ها از دوره هخامنشی رسیدیم (تصویر ۵). در برخی بخش‌ها، خشت‌های حفاظتی متأخر از پایداری و استحکام کافی برخوردار بودند. از این روی آنها را نگه داشته و از آنها برای شناخت و ثبت اندازه فضاها و ستبرای دیوارها کمک گرفتیم. به این ترتیب اندازه تمام فضاها و ستبرای تمام دیوارها به دست آمد و ثبت شد. در ضمن این عملیات، یافته‌ها و بقایای جالب توجهی هم بدست آمد. از جمله اینکه در تعداد زیادی از فضاها، چاله‌های کم عمقی ایجاد شده بود. این چاله‌ها بعد از ساخت بنا و درون کف اصلی کنده شده بودند به گونه‌ای که گاهی درون تعدادی از آنها قطعات اندود سبز رنگ دیده می‌شد که نشان از تخریب کف اصلی و کندن چاله بعد از ساخت کف اصلی بود (تصویر ۶). در تعداد کمتری از چاله‌ها، بقایای خاکستر، قطعات سفال و سوخته‌های چوب به دست آمد. چپستی این چاله‌ها هنوز بخوبی روشن نیست، اما با توجه به توزیع مکانی آنها که بیشتر در کنج یا کنار دیوارهاست تا بخش‌های میانی فضاها، چنین به نظر می‌رسد که جز چند مورد، بقیه جای دیرک‌های قفسه‌های چوبی بوده باشد که در فضاها نصب شده بودند. در دو فضای بزرگ یکی در بخش شرقی و دیگری در بخش غربی دو گودال شناسایی شد. گودال موجود در بخش غربی ساختمان فقط با خاک پر شده بود و مواد باستانی از درون آن بدست نیامد. با توجه به محل این گودال که درست روبروی یک درگاهی است، احتمال دارد



۸- عکس هوایی عمود از فضایی که گودال زباله و چاله‌های دیرک در آن حفر شده است (عکس: ع. اقرا).

سرتاسر خیابان شرقی و بر بدنه این نیم‌ستون ها کشف شده است.

گاه‌نگاری و کاربری

متأسفانه یافته‌های باستانی این ساختمان در حین کاوش اصلی به خوبی ثبت و مستندسازی نشده است. سفالها به کلی دور ریخته شده و مدارکی که می‌توانست به تاریخ‌گذاری کربنی کمک کند، مورد غفلت قرار گرفته‌اند. با این حال نظر مقدماتی هیأت حاضر، بر اساس دستاوردهای تازه و نیز شناسایی ابزارهای بکار رفته در تراش پایه‌ستونها به این قرار است: تاریخ ساخت 'عمارت A' بر پایه رد نوع ابزار به کار رفته در تراش پایه‌ستونها که از نوع دم پخ بوده، احتمالاً به ابتدای دوره فرمانروایی داریوش بزرگ قابل تاریخ‌گذاری است. در ابتدا فقط بخش شرقی ساختمان ایجاد شده بود. در این زمان ساختمان فاقد هر دو ایوان شمالی و جنوبی بود. در آن زمان این ساختمان، بنایی مربع‌شکل با دیوارهای خشتی بود. نظر به سرعت ساخت چنین بنایی، به احتمال بسیار

پر بود. فرش، جامه و ساز و برگ گوناگون و در اینجا زر و سیم فراوان به چنگ غارتگران مقدونی افتاد با جامه‌های پربهایی که با رنگ‌های بسیار اصیل ارغوانی و زری‌دوزی اعلاء مزین بودند ... مقدونیان، یک روز تمام شهر را تاراج می‌کردند اموال غارتی را با تیغ و خنجر از هم می‌ربودند و پاره می‌کردند ...». اگر به انتهای این دستبند دو سر توجه کنیم می‌بینیم که با ضربه شی تیز و سنگین بریده شده است. به احتمال بسیار زیاد، این دستبند هم جزو غنایم غارتی بود و آنرا همچنان که دیودورس ذکر کرده، با ضربه شمشیر به دو یا چند قسمت تقسیم کرده بودند. در آن بحبوه و غوغای حاصل از سرمستی مقدونیان، این تکه از دست صاحب جدیدش افتاد و لگدمال غارتگران شد.

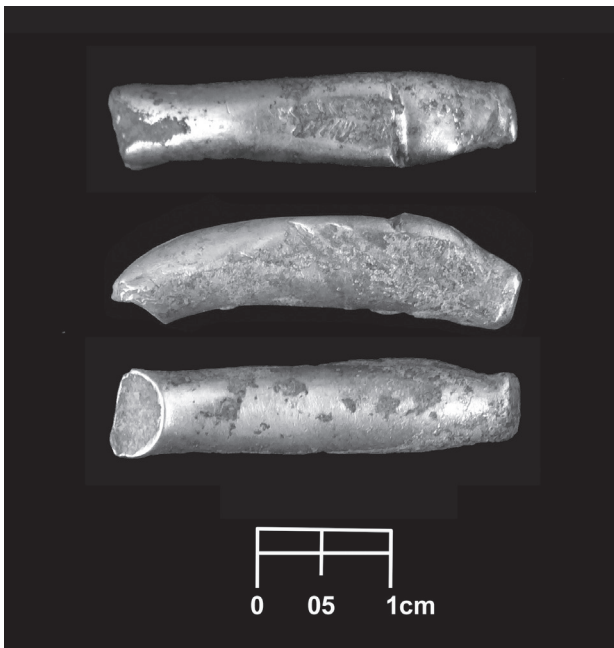
از دیگر موارد بسیار جالب توجه در این ساختمان آنکه نمای غربی خیابان شرقی که با نیم‌ستون‌های ممتد مزین شده بود، نقاشی شده بودند؛ زیرا تکه‌های کوچک نقاشی از



۹- الواح گلی نانپشته (۹) به دست آمده از گودال زباله.



۱۰- قسمتی از پای مجسمه سنگی یک جانور.



۱۱- قسمتی از دستبند سیمین دو سر منتهی به سر قوچ.

زیاد این ساختمان اولین ساختمان تکمیل شده و بهره‌برداری شده در کل مجموعه تخت جمشید بوده است. در این زمان این ساختمان می‌بایست مورد استفاده شاه و حرم او و نیز دیوان‌خانه و خزانه موقت او بوده باشد. این درست است که شاه حضور دائمی در آنجا نداشت، ولی در زمان سرکشی خود و خانواده‌اش نیاز به اقامتگاهی داشتند. هزینه بالای فعالیت‌های عمرانی در تخت جمشید نیاز به خزانه را نشان می‌دهد. رسیدگی به پیشرفت کار و ثبت و ضبط مواد متنوعی که به آنجا وارد می‌شد، پرداخت حقوق کارگران، صنعتگران و استادان و اقلام غذایی و آشپزها و موارد متعدد دیگر نیاز به وجود دیوان‌خانه را ضروری می‌کرد. بدون وجود ساختمان یا ساختمان‌هایی که این نیازها را برآورده کند، پیشرفت کار غیرممکن به نظر می‌رسید. به این دلایل و با توجه به گاه‌نگاری ساختمان فرض می‌کنیم که این ساختمان، مرکزی موقت برای همه اینها بود. وقتی کارها اندکی پیشرفت و سبک معماری بناهای دوره داریوش شخصیت ویژه خویش را یافت، بخش غربی و دو ایوان شمالی و جنوبی به ساختمان افزوده شدند. هر چند درون ساختمان فضای ستون‌داری نبود، اما ساختمان از بیرون با نمای بقیه ساختمان‌های دیگری که در دست ساخت بودند هماهنگ بود و نماهای آن با ایوان‌های ستون‌داری مزین شده بود. بعد از گشایش اولین ساختمان‌ها در بالای تختگاه، این ساختمان کارکرد نخستین خود را از دست داد و به احتمال، کل آن تبدیل به دیوان‌خانه شد. در این زمان قفسه‌های چوبی در گوشه گوشه آن جاگذاری شدند. کشف چاله دیرک‌های قفسه‌های چوبی و بقایای گلنپشته‌ها درون گودالی از یکی از اتاقهای مرکزی این ساختمان گواهی بر این مدعاست.

منابع:

تجویدی، اکبر. ۱۳۵۵. دانستنیهای نوین درباره هژ و باستان شناسی عصر هخامنشی، تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

Schmidt, E. F., 1953. *Persepolis I: Structures, Reliefs and Inscriptions*, The University of Chicago Press.

نکاتی در مورد سرگذشت کتیبه بابلی مستقر در گوشه شمال غربی کاخ H

سهیل دلشاد^۱

شواهد متنی موجود در تخت جمشید به شکل کتیبه‌های هخامنشی، دست کم به چهار شاه هخامنشی تعلق دارند: داریوش بزرگ، خشایارشا، اردشیر اول و اردشیر سوم. اینکه آیا در شهر پارسه از شاهان دیگر نیز کتیبه‌هایی برجای مانده است و اینکه آیا کتیبه‌های نوشته شده بر فراز پیکره اورنگ بران بر روی آرامگاه جنوبی تخت جمشید قطعاً متعلق به دوران اردشیر سوم هستند، پاسخ‌هایی همچنان مبهم دارند.

از میان کتیبه‌های مستقر در مکان اصلی یا یافت شده در تخت جمشید، دست کم دو کتیبه حاوی نام اردشیر اول هخامنشی هستند. کامل‌ترین کتیبه اما متأخرترین کتیبه یافت شده از این نوع در تخت جمشید (کاخ صد ستون) در دوران کاوش‌های مؤسسه شرقی به سرپرستی ارنست هرتسفلد است که با کد A¹Pb شناخته می‌شود.

اما نخستین کتیبه‌ای که متعلق به اردشیر اول دانسته شده، در بخش شمال غربی عمارت H واقع شده است. این کتیبه که اکنون تنها بخش آغازین ۹ سطر پایانی نسخه بابلی هخامنشی آن برجای مانده از نیمه قرن نوزدهم تا دوران کاوش‌های مؤسسه شرقی در دهه ۱۹۳۰ میلادی دستخوش تغییرات و آسیب‌هایی شده است. نفس پرداختن به این تغییرات نیز دست کمی از پژوهش بر روی متون این دست از کتیبه‌ها ندارد. بنابراین، نوشته حاضر به تاریخچه کتیبه بابلی اردشیر اول از سال ۱۸۴۰ تا به امروز بر پایه تصاویر و طراحی‌های انجام شده از روی آن اختصاص یافته است.

نقطه آغاز این تاریخچه شاید یکی از نخستین طراحی‌های شناخته شده از کتیبه موجود در گوشه شمال غربی کاخ H باشد. تصویر شماره یک از اوژن فلاندن (Eugène N. Flandin) و پاسکال کست (Pascal X. Coste) وضعیت کتیبه را در پاییز ۱۸۴۰ (۱۲۲۱ خورشیدی) نشان می‌دهد.

۱- مشاور امور کتیبه‌شناسی و زبان‌شناسی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

soheil.delshad88@gmail.com



تصویر شماره ۱- طراحی کتیبه اردشیر اول در سال ۱۸۴۰
(Flandin and Coste, 1851, Pl. 129)

در این طراحی بقایای بخش اول چهارده سطر از یک کتیبه بابلی به تصویر کشیده شده است.

بین این طراحی تا طراحی پائول هاوپت (Paul Haupt) در ۱۸۸۲ (۱۲۶۱ خورشیدی) از کتیبه (تصویر شماره چهار) یک فاصله زمانی ۴۲ ساله وجود دارد که در خلال آن سطر نخست کتیبه از بین رفته و طراحی هاوپت تنها ۱۳ سطر را به تصویر کشیده است. برای اینکه بدانیم در این فاصله چه اتفاقی افتاده باید به این نکته توجه کنیم که طراحی هاوپت از کتیبه، ابتدا بر پایه لیتوگراف منتشر شده توسط ایزیدور لوونشترن (Isidore Löwenstern)



تصویر شماره ۳- تصویر کتیبه اردشیر اول در سال ۱۸۷۷
(Stolze and Andreas, 1882, Pl. 65)



تصویر شماره ۲- طراحی کتیبه اردشیر اول (کتیبه میانه) توسط لوتن دو لول در سال
(Löwenstern, 1847, p. 5) ۱۸۴۴

معلوم نیست که قطعه همراه لوتن اکنون در کجا نگهداری می‌شود.

به هر صورت، مشخص است که در فاصله ۴ سال بین مسافرت فلاندن و کست و لوتن دو لول، دست کم یک سطر از بالای بخش باقیمانده این کتیبه از بین رفته است. آسیب‌های ثبت شده توسط هرتسفلد (تصویر شماره پنج) نشان می‌دهد که در فاصله ۳۳ ساله بین بازدید لوتن و اشتولتسه این کتیبه متحمل آسیب فراوانی نشده است. اطلاعات مختصر هرتسفلد در ابتدای بخش مرتبط با این کتیبه در کتاب خود (Herzfeld, 1938, pp. 43-44) نشان می‌دهد که در خلال سال‌های بین ۱۸۸۰ (خورشیدی ۱۲۵۹) تا ۱۹۲۳ (۱۳۰۲ خورشیدی) به این کتیبه دو بار آسیب‌های شدیدی وارد شده است. آسیب بزرگ اول در سال ۱۸۸۰ (سه سال پس از تصویربرداری اشتولتسه) وارد شده است و آسیب دوم در فاصله ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۳ بخش بزرگ دیگری از بقایای کتیبه را از بین برده است. اطلاعات ارائه شده توسط هرتسفلد این مسئله را روشن نمی‌کند که چرا وی تاریخ ۱۸۸۰ را برای وضعیت کتیبه پس از تخریب نخست مشخص کرده است. اینکه آیا هرتسفلد از منبعی همچون تصویر یا طراحی مربوط به این سال استفاده کرده است نیز روشن نیست.

منشأ و علت این آسیب‌ها نیز متأسفانه مبهم است. شاید محل استقرار این کتیبه یعنی در گوشه شمال غربی کاخ H و از بین رفتن بخشی از آن در قرون گذشته و خالی شدن پشت صفحه سنگی میزبان

بر روی کتابچه خود در ارتباط با نسخه سوم (بابلی هخامنشی) کتیبه‌های شاهی هخامنشی (تصویر شماره دو)، تهیه شده و سپس با تصویر گرفته شده از کتیبه توسط فرانتس اشتولتسه (Franz Stolze) در تابستان ۱۸۷۷ (خورشیدی ۱۲۵۶) مطابقت داده شده است (تصویر شماره ۳).

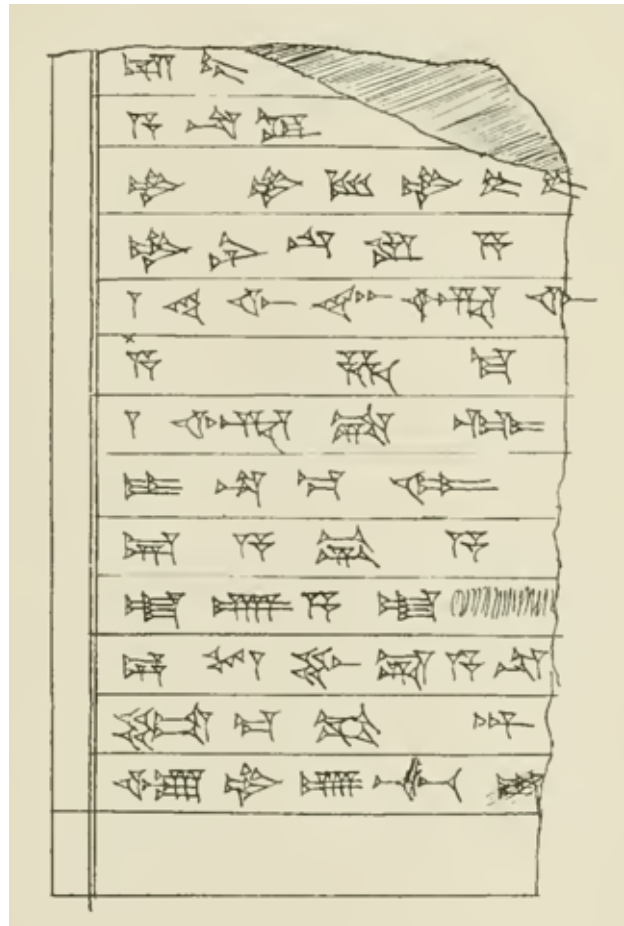
مقایسه بین طراحی انجام شده توسط فلاندن و کست در ۱۸۴۰ و طراحی منتشر شده توسط لوونسترن در ۱۸۴۷، فقدان یک سطر را از بخش بالای کتیبه تأیید می‌کند. اما این طراحی نیز توسط شخص لوونسترن انجام نشده است و در حقیقت طراحی از این کتیبه به لوتن دو لول (Lottin de Laval) فرانسوی تعلق دارد که در طی بازدید خود در سال ۱۸۴۴ از تخت جمشید، تعدادی از نقوش و کتیبه‌ها را قالبگیری کرده است.^۲ لوونسترن در کتاب خود (Löwenstern, 1847, p. 76) از یک قطعه که توسط وی به پاریس آورده شده است هم صحبت می‌کند ولی مشخص نمی‌کند که آیا این قطعه حاوی بخشی از نام اردشیر به بابلی هخامنشی است که از این کتیبه جدا شده است یا به صورت مجزا یافت شده است. برای نگارنده هم

۲- برخی از قالب‌های لوتن دو لول از کتیبه‌ها و نقوش تخت جمشید امروزه در موزه لوور نگهداری می‌شوند. متأسفانه تلاش نگارنده برای یافتن قالب تهیه شده از کتیبه اردشیر در مجموعه متعلق به وی در موزه لوور موفقیت آمیز نبود. بد نیست که در اینجا به این نکته نیز اشاره گردد که لوتن دو لول در طی حضور خود در تخت جمشید نام خود را نیز بر روی دروازه ملل نوشته و نام وی اکنون نیز قابل مشاهده است.



تصویر شماره ۵-طراحی کتیبه اردشیر اول توسط هرتسفلد جهت انتشار در کتاب وی در سال ۱۹۳۸

(©The Ernst Herzfeld papers. Freer Gallery of Art and Arthur M. Sackler Gallery Archives. Smithsonian Institution, Washington, D.C)



تصویر شماره ۴-طراحی کتیبه اردشیر اول در سال ۱۸۸۲ (Bezold, 1882, p. 96)

می‌دهد در سطور نخست و دوم طراحی انجام شده از کتیبه در سال ۱۸۴۴ کمال دقت در ثبت دو واژه تکراری *īštēn* (به معنای «یکی») به کار رفته است و این دو سطر عبارت پر بسامد «*īštēn ana LUGAL^{mes}*» به معنای «یک (شاه) بر شاهان بسیار، یک (فرماندار) بر فرمانداران بسیار» را در بر دارد.

بازسازی هرتسفلد از نیمه دوم کتیبه بسیار هوشمندانه است و قطعه موجود در مخزن موزه تخت جمشید نیز بسیاری از بخش‌های این بازسازی هوشمندانه را تأیید می‌کند. به ویژه در املائی نام اردشیر، دقت و هوشمندی هرتسفلد بسیار چشمگیر است. در حالیکه بر روی طراحی‌های پیش از هرتسفلد از این نام تنها «*ar-ta-ak-šá^m*» باقی مانده بوده و همچنین با در نظر گرفتن این نکته که املائی این نام در کتیبه دیگر از اردشیر اول (*A¹Pb*) به شکل «*ar^m*» *ta-ak-šá-as-ša* دیده می‌شود، هرتسفلد املائی نام اردشیر را به شکل «*ar-ta-ak-šá-aš-šu^m*» بازسازی می‌کند. سطر سوم قطعه موجود در مخزن نیز با دو نشانه «*aš-šu*» آغاز می‌شود که گونه نوشتاری اردشیر در سطر دوم در طراحی هرتسفلد را

کتیبه و در نتیجه آسان بودن جدا سازی و انهدام کتیبه، سودجویان را به خرد کردن آن وا داشته است.

مقایسه وضعیت کنونی کتیبه با طراحی هرتسفلد نیز نشان می‌دهد از سال ۱۹۲۳ تاکنون خوشبختانه به بقایای کتیبه آسیب بیشتری وارد نشده است. هرچند که این کتیبه نیاز به رسیدگی و اتخاذ تدابیر حفاظتی و مرمتی دارد که با پیگیری همکاران مرکز پژوهش‌های کتیبه‌شناسی و همکاری با مدیریت مجموعه و کارشناسان حفاظت و مرمت، اقدامات لازم جهت حفاظت و مرمت این کتیبه نیز اتخاذ خواهد شد.

از نسخه بابلی این کتیبه، یک قطعه دیگر در طول فعالیت‌های هیأت ایتالیایی به سرپرستی تیلیا یافت شده است که هم اکنون در مخزن موزه تخت جمشید نگهداری می‌شود. قطعه مورد بحث در حقیقت بخش‌هایی از پنج سطر نخست از نسخه طراحی شده در سال ۱۸۴۰ را تشکیل می‌دهد. سطر نخست و دوم قطعه موجود در مخزن که حاوی واژه اکدی *mādūtu* (حالت مستقیم، شمار جمع، جنس مؤنث از واژه مذکر *mādu* به معنای «بسیار») است که کاملاً نشان

سرزمین بزرگ (و) دور، فرزندِ خشیارشا شاه، فرزندِ داریوش شاه، هخامنشی.»

بند سوم (سطور هشتم تا دوازدهم طراحی سال ۱۸۴۰):

«اردشیر شاه بزرگ گوید: در پناه اهورمزدا، این سرای که خشیارشا شاه، پدر من، ساخته است و من ساخته‌ام.»

بند چهارم (سطور دوازدهم تا چهاردهم طراحی سال ۱۸۴۰):

«مرا اهورمزدا بیاید، با خدایان، و فرمانروایی‌ام را و آنچه که من ساخته‌ام.»

متن کامل این کتیبه به همراه حرف نویسی و بحث در رابطه با پیشینه پژوهشی کتیبه و سایر نسخه‌های آن در آینده در قالب یک مقاله پژوهشی منتشر خواهد شد.

فهرست منابع

Bezold, C. (1882). *Die Achämeniden-inschriften. Transcription des babylonischen Textes, nebst Übersetzung, textkritischen Anmerkungen und einem Wörter- und Eigennamenverzeichnis*. Hinrich.

Flandin, E., & Coste, P. (1851). *Voyage en Perse de Eugène Flandin et Pascal Coste pendant les années 1840 et 1841. Perse ancienne, Planches (Tome 3)*. Gide et J. Baudry.

Herzfeld, E. (1938). *Altpersische Inschriften*. Dietrich Reimer.

Löwenstern, I. (1847). *Exposé des éléments constitutifs du système de la troisième écriture cunéiforme de Persépolis*.

Stolze, F., & Andreas, F. C. (1882). *Persepolis. Die achaemenidischen und sasanidischen Denkmäler und Inschriften von Persepolis, Istakhr, Pasargadae, Shâhpûr (Vol. 2)*. Verlag von A. Asher & Co.



تصویر شماره ۶-وضعیت کنونی کتیبه اردشیر اول (تصویر از محمد علی مصلی نژاد)

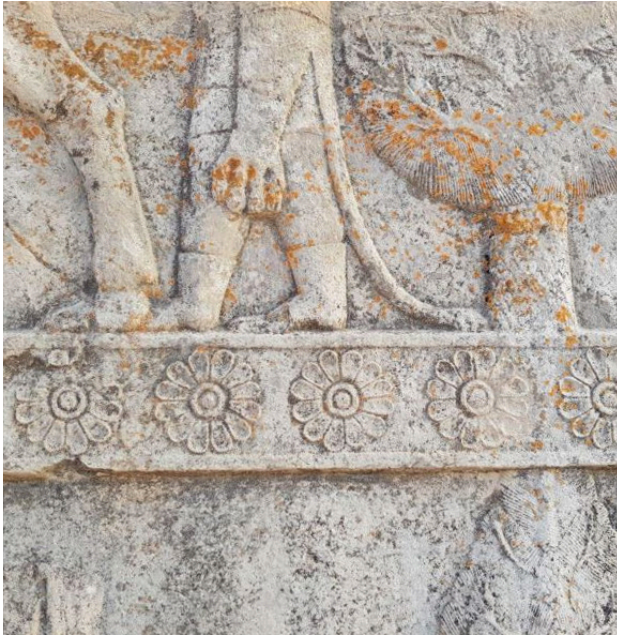
تأیید می‌کند. با این حال تفاوتی نیز بین آنچه که هرتسفلد در بخش از بین رفته کتیبه بازسازی کرده و آنچه که قطعه موجود در مخزن نشان می‌دهد وجود دارد. به طور مثال آنچه که هرتسفلد در سطر سوم طراحی خود به شکل «*nap-har*» (حالت ساختاری از واژه *napharu* به معنای «همه، کل») ترسیم کرده است در سطر چهارم قطعه موجود در مخزن به شکل «*nap-ha-ar*» دیده می‌شود.

ترجمه کلی این کتیبه بر مبنای سطر بندی موجود در طراحی سال ۱۸۴۰ (۱۴ سطر)، بازسازی متن توسط هرتسفلد (در ۱۳ سطر) و قطعه موجود در مخزن بدین ترتیب است:

بند نخست (سطور از میان رفته در ابتدای کتیبه تا سطر دوم طراحی ۱۸۴۰): نیایش اهورمزدا و اینکه اهورمزدا اردشیر را شاه کرد، «یک (شاه) بر شاهان بسیار، یک (فرماندار) بر فرمانداران بسیار.»

بند دوم (سطور سوم تا هفتم طراحی سال ۱۸۴۰):

«من اردشیر، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌های (دارای) همه زبان‌ها، شاه بر این



آسیب‌های محیطی و گل‌سنگ‌ها

به گفته فدایی، بیشترین آسیب در محوطه‌های سنگی ناشی از عوامل محیطی است که عمده آن تاثیرات مربوط به رطوبت و شوک‌های انبساطی و انقباضی ناشی از تغییرات دمایی است که سبب بوجود آمدن ترک و ریز ترک شده و باعث شده که بخش‌هایی از بافت‌ها متلاشی و سنگ‌ها فرسوده شوند. بخشی از آسیب‌ها نیز ناشی از وندالیسمی است که بعد از تخریب تخت جمشید و بعد از دوره هخامنشیان اتفاق افتاده و تا دوره اسلامی ادامه داشته است. ما عمدتاً شاهد شکستگی‌هایی در نقوش، بخصوص چهره‌ها هستیم که مخدوش شده‌اند. ضرباتی که برای مخدوش کردن این چهره‌ها به سنگ‌ها وارد شده سبب بوجود آمدن ترک‌هایی شده که در حال حاضر تبدیل به محل نفوذ رطوبت شده است که سبب فرسودگی می‌شود. هدف اصلی ما مرمت استحضافی است.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید خاطرنشان کرد: در حال حاضر تمام کارگاه‌های مرمتی در مجموعه تخت جمشید برای پوشش این ترک‌ها با ملات‌های خاص فعال شده‌اند.

او در خصوص وضعیت گل‌سنگ‌های تخت جمشید نیز گفت: از گذشته تا به امروز بررسی‌هایی در خصوص گل‌سنگ‌ها داشتیم تا بتوانیم شناخت و روش‌های درمان را داشته باشیم. در حال حاضر تقریباً مرحله شناسایی کامل شده و تاکنون ده‌ها گونه گل‌سنگ، شناسایی شده که کمتر از ده گونه گل‌سنگ در تخت جمشید آسیب‌رسان و مضر هستند. روش‌های درمانی در خصوص پاکسازی گل‌سنگ‌ها نیز در مراحل میدانی و آزمایشگاهی است.



یادگاری‌های نوشته شده بر تخت

جمشید بررسی می‌شوند

هنوز پاسخی برای چرایی وجود بقایای

استخوان‌های انسانی در آبراهه‌های

تخت جمشید نداریم

گل‌سنگ‌های آسیب‌رسان به تخت

جمشید شناسایی شدند

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید از خوانش یادگاری نویسی‌هایی خبر داد که از دوران بعد از هخامنشیان تا دوره قاجار باقی مانده‌اند و گفت: این یادگاری نویسی‌ها از فراز و نشیب تخت جمشید سخن می‌گویند.

حمید فدایی (مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید) با اشاره به آنکه کارگاه‌های مرمت و حفاظت از فروردین سال جاری در محوطه‌های تخت جمشید، نقش رستم و شهر استخر فعال شده است، گفت: شرایط کرونایی از سال گذشته بود و در این مدت به سبب نشدن با این شرایط دست پیدا کردیم و این امر سبب نشدن تا موضوعات حفاظتی تعطیل شود. در حال حاضر سه کارگاه حفاظت و مرمت در تخت جمشید در کاخ هدیش، آپادانا و صد ستون فعال هستند. در نقش رستم نیز دو کارگاه مرمتی فعال هستند که یکی از آنها در ارتباط با نقش شاپور است که با هدف مستندنگاری و آسیب‌نگاری این نقش تجهیز شده و کارگاه دیگر در ارتباط با آرامگاه خشیارشا و ادامه مرمت سال‌های گذشته دایر شده است.

او ادامه داد: در شهر استخر نیز از زمستان سال گذشته پایگاه دائمی در این بخش مستقر شد که هدف اصلی، امور حفاظت و مرمت است. آثار سنگی شهر استخر که تحت شرایط محیطی دچار فرسودگی شده و وضعیت مطلوبی ندارد، مورد حفاظت و مرمت قرار می‌گیرد. این امر با مراحل مستندنگاری نیز همراه است.



فصل جدید کاوش

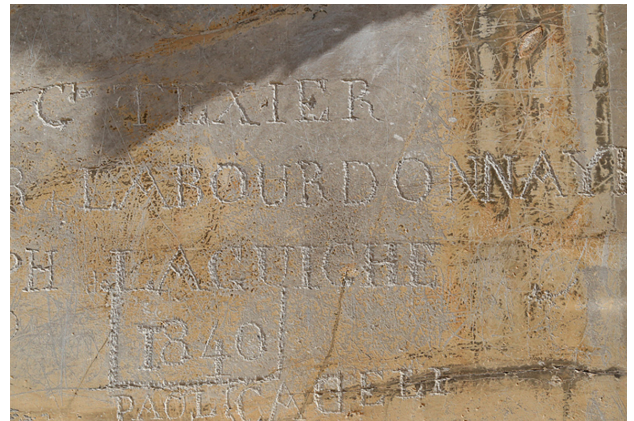
مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در ادامه با اشاره به کاوش آبراهه‌های این مجموعه گفت: کاوش آبراهه‌ها یکی از پروژه‌های بزرگ پایگاه است که بعد از بارندگی‌های سیل آسایی که طی سال‌های گذشته داشتیم، تکمیل این پروژه از اهمیت بیشتری برخوردار شد. ضمن آنکه آبراهه‌های تختگاه را داریم و ضرورت دارد که این شبکه را کامل فرض کنیم و بتوانیم به شکل گذشته آن را شناسایی و کاوش آن را کامل کنیم. در عین حال باستان‌شناسان سئوالاتی در ارتباط با آبراهه‌ها دارند که از جنبه‌های شناخت بخش‌های زیرین صفا و تختگاه اهمیت دارد.

او اذعان داشت: فصل چهارم مطالعه و کاوش سال گذشته در بخش شمالی حیاط صد ستون به سمت دروازه نیمه تمام انجام و نتایج مهمی بدست آمد. امسال هم برنامه آن را داریم که فصل پنجم کاوش در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ رقم بخورد.

فدایی در خصوص شاخص‌ترین یافته فصل چهارم کاوش در آبراهه‌های تخت جمشید گفت: علاوه بر بدست آمدن مواد فرهنگی از قطعات سنگی گرفته تا قطعات رنگ، با بقایای استخوان‌های انسانی زیادی برخورد کردیم. چرایی وجود این بقایا هنوز ذهن باستان‌شناسان را درگیر کرده و پاسخی برای آن نداریم. باید مطالعات لازم انجام شود که بدانیم آیا این بقایا مربوط به دوره هخامنشی است یا دوره‌های بعد.

به گفته او، این یافته‌ها در حال حاضر در گنجینه تخت جمشید نگهداری می‌شوند تا مطالعات لازم انجام شود.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با اشاره به آنکه بازدید از این مجموعه تحت تاثیر شیوع کرونا کاهش چشمگیری داشت، گفت: این روزها استان فارس در شرایط قرمز کرونایی قرار دارد. هرچند محوطه‌ها باز هستند اما محدودیت رفت و آمدها سبب کاهش میزان بازدید شده است. در نوروز این امکان را یافتیم که با رعایت پروتکل‌های بهداشتی پذیرای گردشگران باشیم. با این وجود با افت شدید بازدیدکنندگان روبه رو هستیم و تقریباً می‌توان گفت، گردشگر خارجی هم نداریم.



خوانشی از نوع یادگاری نویسی

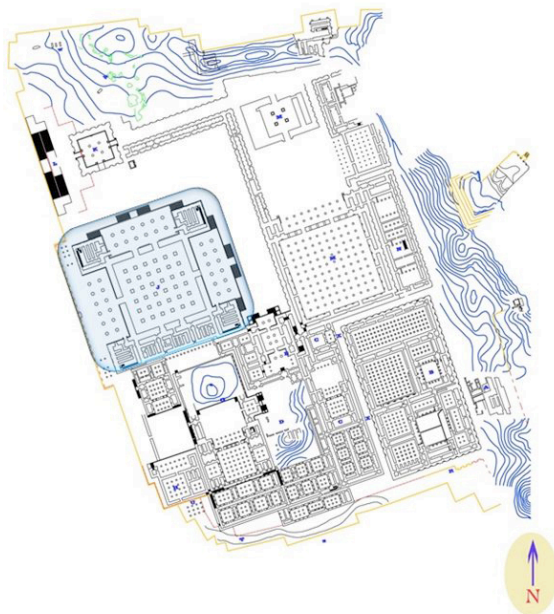
فدایی همچنین به پاکسازی و مستندنگاری‌هایی که در مجموعه تخت جمشید انجام می‌شود اشاره کرد و گفت: گروه‌هایی متشکل از زبان‌شناسان و متخصصان خطوط فارسی باستان، ایلامی و اکدی و حتی پهلوی ساسانی در حال بازنگری خطوط و کتیبه‌های محوطه هستند. به جز کتیبه‌هایی که در نقش رستم داریم، دیوارنگاشته‌هایی داریم که به صورت یادگاری نویسی بر روی سنگ‌های کاخ‌های مختلف و دیوار بناها نگاشته شده‌اند. بسیاری از این خطوط شناخته شده نیستند و بسیاری از آنها برای نخستین بار با آن برخورد کرده‌ایم.

او خاطرنشان کرد: بعد از دوره هخامنشی به جز کتیبه‌های اصلی دوره ساسانی که در نقش رستم است، مابقی به صورت یادگاری نویسی است که تا دوره اسلامی و حتی صفوی و قاجار ادامه دارد. در واقع با طیف گسترده‌ای از نوشته‌ها رو به رو هستیم که نیازمند ثبت و ضبط و خوانش هستند. این پروژه از حدود دو سال قبل آغاز شده و امیدواریم با تکمیل آن بتوانیم کاتالوگ‌هایی آماده کنیم. برخی از این نوشته‌ها برای نخستین بار است که مورد خوانش قرار می‌گیرند و بخصوص درباره تخت جمشید می‌توانیم در جریان فراز و فرودهای این مجموعه در دوره‌های مختلف تاریخی قرار بگیریم. بسیاری از این یادگاری نویسی‌ها دارای تاریخ و نام و نشان نویسنده آن هستند. فارغ از خوب یا بد بودن این یادگاری نویسی‌ها مطالعه تطبیقی این نام‌ها می‌تواند ما را در جریان اطلاعات زیادی از فراز و نشیب تاریخی تخت جمشید قرار دهد.

او یادآور شد: بسیاری از این یادگاری نویسی‌ها در فضای مسقف نوشته نشده‌اند، از این رو بسیاری از آنها در طول زمان محو شده‌اند و نیاز است تا با ابزار پیشرفته در صدد شناسایی آنها برآییم. امیدواریم بعد از مطالعه یادگاری نویسی‌های تخت جمشید و نقش رستم بتوانیم به مطالعه شهر استخر پردازیم.



تهیه رنگ مناسب و تست اولیه روی ته ستون های مرمت شده



جانمایی کاخ آپادانا در پلان تخت جمشید

موزون سازی ملات های اجرا شده روی ته ستون های کاخ آپادانا

مسئول حفاظت و مرمت: شهرام رهبر
مرمتگر کارگاه: فرنگیس خلیلی

پروژه حفاظت و مرمت پایه ستون های کاخ آپادانا طبق برنامه ای از پیش تعیین شده از ابتدای فصل بهار ۱۳۹۷ آغاز شد. این پروژه با هدف استحکام بخشی و جلوگیری از فرسایش این بخش از آثار و بقایای سنگی تخت جمشید برنامه ریزی شده است. پایه ریزی مباحث فنی این طرح با برگزاری کارگاه استحکام بخشی بقایای سنگی کاخ هدیش شکل گرفت. کارگاه هدیش در سال ۱۳۹۰ با حضور متخصصین و کارشناسان مرمت ایرانی و بین المللی در بخش جنوبی کاخ برگزار شد. در این کارگاه که با حضور و تلاش مشترک متخصصین ایرانی و ایتالیایی انجام شد برای اولین بار از مواد پایه آهکی به جای ملات ماسه و سیمان استفاده شد. با استفاده از نتایج به دست آمده، طرح حفاظت و مرمت پایه ستون های کاخ آپادانا توسط دفتر حفاظت و مرمت تخت جمشید با مدیریت کارگاهی شهرام رهبر طرح ریزی و در شورای فنی تخت جمشید به تصویب رسید. ته ستون های آپادانا بر اساس آموزش های سال ۱۳۹۰ در کاخ هدیش و تجربیات پراکنده بین سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ ادامه یافت. مراحل کار تجهیز کارگاه، پاک سازی، ملات گذاری، تزریق و آبدهی به سطوح ملات را شامل می شود. به طور کلی ترکیبی از پرکننده ها شامل: پودر سنگ

(از سنگ های مشابه و پودر شده با چکش و الک شده) و ماسه به همراه پودر چسباننده پایه آهکی لدان ترکیب اصلی ملات مورد استفاده بوده است. ابتدا پاک سازی محل ملات گذاری به طور مکانیکی و سپس با رطوبت دهی و شستشوی آلودگی ها انجام می شود.

این سلسله مرمت ها به صورت گسترده برای اولین بار در تخت جمشید انجام شد. تا قبل از این، برای اقدامات مرمتی از سیمان استفاده می شد. البته از زمان تشکیل پایگاه تخت جمشید و بخصوص بعد از دوره آموزشی سال ۱۳۹۰ روند استفاده از سیمان بسیار کم شده بود، اما در مواردی با توجه به عدم وجود مواد و مصالح جدید، از سیمان استفاده می شد.



همان ته ستون پس از اقدامات موزون سازی



یک ته ستون مرمت شده پیش از اقدامات موزون سازی ملات- سال ۱۳۹۹

گروه حفاظت و مرمت تخت جمشید تصمیم گرفت اقدامات موزون سازی را بر روی ملات‌ها انجام دهد. برای موزون سازی نیاز بود متخصصی آشنا با اصول مرمتی و مبنای نظری مرمت انتخاب گردد. از این رو خانم فرنگیس خلیلی کارشناس ارشد رشته مرمت آثار تاریخی و عضو گروه حفاظت ایکوم با سابقه حدود ده سال کار در زمینه حفاظت و مرمت آثار سنگی، مرمت بدنه و مرمت نقاشی انتخاب شدند. گروه حفاظت و مرمت برای تهیه رنگ مناسب طی چند روز تست‌های مختلفی را انجام دادند و نهایتاً پودر رنگ معدنی و میکرو اکلیل ۳ تا ۵ درصد انتخاب و اقدامات موزون سازی انجام شد. با توجه به اینکه ته ستون‌های کاخ آپادانا هم‌اکنون طیف‌های گسترده رنگی دارند بنابراین به ناچار باید ده‌ها رنگ مختلف تهیه می‌شد. لازم به ذکر است در موزون سازی‌ها از پودر رنگ معدنی از شرکت CTS استفاده شد. این پودر رنگ کیفیت بسیار بالایی دارد و بیشتر در کارگاه‌های مرمت کاربرد دارد.

در اسفند ماه ۱۳۹۹ ملات‌های مرمتی مورد استفاده بر روی چهار عدد از ته ستون‌های کاخ آپادانا مورد موزون سازی قرار گرفت و هم‌اکنون ته ستون‌های موزون سازی شده ظاهر بسیار مناسبی دارند.



تهیه رنگ مناسب برای تست‌های اولیه با پودر رنگ و آب رنگ

استفاده از ملات‌های آهکی دارای مزایای بسیار زیادی است؛ اما معایبی نیز دارد. مواد آهکی با نام عمومی لدان، پایه آهکی دارد و برای استفاده باید با مواد دیگر مخلوط شود. برای مواد پرکننده نیز باید از ماسه‌های محلی و پودر سنگ و پودرهای معدنی دیگر استفاده نمود. این مواد نسبت به سیمن‌هایی که تا چند دهه پیش استفاده می‌شد محاسن زیادی دارد. اما علاوه بر محاسن زیاد، این ماده مرمتی نیز معایبی دارد. یکی از معایب ملات‌های آهکی این است که در حضور آفتاب به مرور زمان کم‌رنگ می‌شوند و این امر بسیار طبیعی است. در تخت جمشید برای تهیه ملات‌های آهکی از پودر سنگ مجد آباد استفاده می‌شود. این پودر در ابتدا مشکی رنگ است و پس از مخلوط شدن با ترکیبات لدان خاکستری تیره می‌شود. رنگ ملات‌های اجرا شده به مرور کم شده و خاکستری تیره به خاکستری روشن تغییر می‌کند. علت اصلی رنگ‌باختگی، تابش نور زیاد است. سنگ‌های بکار رفته در تخت جمشید نیز دارای طیف‌هایی از رنگ سیاه بوده‌اند اما وجود نور در کنار عوامل دیگر باعث رنگ‌باختگی آن‌ها شده و امروزه ما سنگ‌های تخت جمشید را به صورت خاکستری می‌بینیم. ملات‌ها نیز به دلیل وجود ۶۰ تا ۶۵ درصد مواد پرکننده که بیشتر پودر سنگ سیاه رنگ است، به واسطه نور خورشید و عوامل دیگر رنگ می‌بازند. در کاخ آپادانا ملات‌های کار شده روی ته ستون‌های مرمت شده از دور مشخص بود. این در حالی است که ملات‌های اجرا شده در ابتدا رنگی نزدیک به رنگ ته ستون‌های مرمت شده داشت. با توجه به مبنای نظری، مرمت‌های انجام شده از مسافت دور نباید زیاد مشخص باشد. این مشکل در پاسارگاد نیز وجود داشت و مرمتگران ایتالیایی مجبور بودند پس از گذشت مدتی از مرمت ته ستون‌های مشکی رنگ اقدامات موزون سازی را بر روی ملات‌های مرمتی انجام دهند. با توجه به اینکه رنگ روشن تر ملات‌های کار گذاشته شده روی ته ستون‌های کاخ آپادانا از دور جلب توجه می‌کرد



حفاظت و مرمت نقش برجسته ساسانی بهرام دوم در محوطه تاریخی نقش رستم

لیلا رضوی، مصطفی رخشنده‌خو، محمد زارع
مسعود انصاری، علیرضا برومند

سوم می دانند آسیب زیادی دیده به شکلی که بخش هایی از آن قابل تشخیص نمی باشد. باد و باران، آلودگی های محیطی، سرما و گرما و آسیب های انسانی همه از عوامل آسیب رسان به این اثر ارزشمند به شمار می آیند، اما دلیل جدی ترین آسیب هایی که شامل فرسایش و رسوب گرفتگی نقش هستند، قرارگیری نقش برجسته در زیر آرامگاه داریوش است؛ زیرا ضمن بارندگی، آب های جاری شده از سطح آرامگاه، به همراه آبرفت های کوه روی سکوی پایین آرامگاه جمع می شوند، و به مرور همراه با گل و لای بر روی نقش جاری می شوند. همین اتفاق باعث فرسایش و ایجاد لایه های رسوبی و تغییر رنگ سنگ در مسیر ریزش آب شده است. مجموعه این آسیب ها، نقش برجسته بهرام را واجد شرایط اضطراری حفاظت نمود و باعث گردید تا این پروژه در مدت ۴ ماه به سرانجام برسد. با توجه به اینکه انجام هرگونه اقدام حفاظتی و مرمتی بدون مطالعه و ثبت وضعیت موجود غیرفنی بوده و فاقد ارزش علمی می باشد، ابتدا مستندنگاری سنگ نگاره مذکور با تهیه عکس تخت (Ortho Photo) انجام شد. پس از ایجاد داربست و برپایی کارگاه، در اولین اقدام، سکوی

در ۴ کیلومتری تخت جمشید، بر سینه جنوبی کوه حسین آثار گران بهایی شامل آرامگاه های سلطنتی و نقوش برجسته بی نظیر کنده شده اند. وجود آثاری از دوران عیلامی تا اسلامی نشان از ارزش و استفاده از این مکان در ادوار مختلف تاریخی دارد. لیکن شهرت این محوطه بیشتر به دلیل وجود آرامگاه های ۴ تن از پادشاهان هخامنشی و سنگ نگاره های ساسانی است.

در زیر آرامگاه داریوش بزرگ، دو سنگ نگاره مربوط به نبرد بهرام وجود دارد که هر دو غلبه پادشاه را بر دشمن نشان می دهند. بخش زیرین نقش که مربوط به بهرام دوم است تا سال ۱۳۵۵ زیر خاک بوده و توسط اریک اف. اشمیت آواربرداری آن انجام می شود. به همین دلیل قسمت پایین نقش برجسته آسیب کمتری دیده و نقوش، وضوح بیشتری دارند. اما نقش بالایی که عده ای آن را منسوب به بهرام



قبل و بعد از پاکسازی

وسيله فرز انگشتی و بدون آسیب به سطح اصلی سنگ برداشته شدند. در نهایت گیاهان به روش فیزیکی حذف شدند، چراکه در عمق سنگ نفوذ نکرده و نیاز به تزریق سم وجود نداشت. این مرحله توانایی از بین بردن لایه های تیره چرکی را نداشت به همین دلیل از روش ضماذگذاری استفاده شد. به این ترتیب که ضمادی متشکل از کربنات آمونیوم ۱۰٪، تویین ۳۰ ۳٪، پودر سلولز و خاک سیپولیت بر روی سطح مورد نظر گذاشته و روی آن با سلفون پوشانده شد. پس از بیست دقیقه ضماذ برداشته شده و محل مورد نظر با آب و برس شسته شد.

وصالی و ملات گذاری مرحله بعدی حفاظت و مرمت نقش برجسته بود. به طور معمول با پیشرفت دستاوردهای علم مرمت، از روش های سنتی گذشته تا شیوه های آزمایشگاهی نوین، مواد بسیاری جهت مرمت سنگ های آسیب دیده در جهان مورد استفاده قرار گرفته است که روز به روز نیز بر تعداد آنها افزوده می شود؛ اما همچنان تحقیقات بیشتری جهت یافتن مواد مناسب با توجه به ویژگی های متفاوت آثار تاریخی ادامه دارد. به طور کلی توجه به ویژگی های بصری و نیز شرایط و ویژگی های خاص هر اثر و نیز آسیب ها و خطرات تهدید کننده اثر همگی در انتخاب یک ماده ی مرمتی مناسب نقش بسزایی دارند. برای تهیه ملات مناسب لازم بود که نسبت ۱ (ماده چسباننده) به ۲،۲۵ (ماده پرکننده) همواره حفظ شود. در این پروژه از MTX و C3 به عنوان چسباننده و از پودر سنگ نقش رستم، پودر سنگ مجد آباد و ماسه رودخانه سیوند به عنوان پرکننده استفاده شد. این پرکننده ها به دلیل تاثیر رنگی بر ملات و باید متناسب با رنگ سنگ استفاده شوند. در بخش وصالی نیز قطعاتی که شکسته و جدا شده بودند به وسیله چسب اپوکسی در جای خود مستحکم شده و با ملات مش ۸۰ بندکشی شدند. با توجه به وجود مقادیر زیاد رسوب با رنگ و بافت های متفاوت بر روی سطح نقش برجسته، نیاز به موزون سازی رنگی در برخی نقاط از ملات مرمتی احساس می شد. به منظور نیل به این هدف با استفاده از ترکیب رنگ دانه های معدنی و طبیعی با میکرواکریل ۵٪ به عنوان عنصر چسباننده، موزون سازی بخش هایی از ملات مرمتی به وسیله قلم مو انجام گرفت.

پایین آرامگاه (بالای نقش) و شیارها کاملاً پاکسازی شدند تا با حذف اصلی ترین عامل مخل از پیشرفت آسیب ها جلوگیری شود. فرایند آسیب نگاری نقش برجسته بر اساس شیوه دسته بندی آسیب ها، ثبت دستی آنها و در نهایت ثبت دیجیتالی دنبال گردید. با به دست آمدن آمار دقیق از حجم، شدت و محل آسیب ها، عملیات مرمت آغاز شد.

گلسنگ ها اولین آسیب بودند که مورد پاکسازی قرار گرفتند؛ به این شکل که سطح گلسنگ به الکل آغشته و به وسیله لایه ای پارچه و پلاستیک تیره پوشانده شد. به فواصل مشخص و معین و بدون برداشتن پوشش، الکل بر روی گلسنگ ها تزریق شد و پس از گذشت مدت زمان لازم و خشک شدن گلسنگ ها در اثر شوک حرارتی ناشی از مجاورت با الکل، سطح مورد نظر به وسیله سیخ های چوبی پاکسازی شد. در ادامه روند مرمت نیاز بود تا نقش به صورت سطحی از خاک و آلودگی های جوی پاک شود. به همین منظور و با استفاده از اسپری آب و اسفنج و با فشار کم، شستشوی اولیه انجام گرفت تا بستر برای مرحله استحکام بخشی با استفاده از تزریق رزین میکرواکریل آماده گردد. در این مرحله چنانچه خاک بر روی لایه های متورق و در ریز ترک ها وجود داشته باشد امکان نفوذ کم شده و استحکام بخشی به درستی صورت نمی گیرد. مهم ترین نکته در انجام این مرحله حساسیت ویژه در عدم آسیب رسانی به سطح پوسته شده سنگ بود. جهت استحکام این لایه ها از تزریق میکرواکریل استفاده شد. فرایند استحکام بخشی باید اجازه دهد تا رطوبت از بین بافت سنگ عبور کند و درعین حال سنگ را هم در برابر تأثیر رطوبت و عوامل شیمیایی حفظ کند. این مرحله باید حتماً پیش از پاکسازی انجام شود چرا که در اثر استفاده از برس احتمال ریزش لایه ها و آسیب آنها وجود دارد.

پس از حذف گلسنگ ها و تثبیت اولیه لایه های در معرض خطر، شستشو و پاک سازی رسوبات و گیاهان در دستور کار قرار گرفت. ابتدا با استفاده از قلم مو و برس های نرم رسوبات گلی که در برخی نقاط ضخامتی نزدیک به ۵ میلی متر داشتند از روی بستر برداشته شدند و در جاهایی که کمی نیاز به سایش بیشتر بود با استفاده از مسواک نرم عمل شستشو تکمیل گردید. در مرحله بعد رسوبات سخت تر به



فراگیری اصول کمک های اولیه توسط کارکنان پایگاه تخت جمشید



بازدید بخش های مختلف توسط کارشناسان آتش نشانی

دوره آموزشی آشنایی با کمک های اولیه در مواقع بحران با همکاری هلال احمر شهرستان مرودشت در مجموعه میراث جهانی تخت جمشید

(کارگروه مدیریت بحران پایگاه میراث جهانی تخت جمشید)

کمک های اولیه عبارت است از مراقبت های پزشکی فوری به فرد مصدوم یا بیمار تا زمانی که آن فرد بهبود یابد و یا درمان وی کامل شود. در واقع هدف از کمک های اولیه مراقبت از جراحات یا بیماری افراد به منظور جلوگیری از آسیب بیشتر است. همچنین کمک های اولیه در مواقع بحرانی یک ابزار بسیار مهم در واکنش سریع به حوادث است تا اطمینان حاصل گردد که می توان صدمات را به طور مؤثر و سریع قبل از رسیدن پزشک متخصص آموزش دیده کاهش داد. دانش کمک های اولیه در مجموعه های تاریخی علاوه بر اینکه برای کارکنان این اماکن ارزشمند است این امکان را می دهد تا در صورت وقوع حادثه یا شرایط اضطراری برای بازدیدکنندگان تا رسیدن نیروهای امدادی به آن ها کمک کرد. بنابراین با توجه به اینکه حوادث و شرایط اضطراری، اجتناب ناپذیرند، هر چه تعداد نیروهای آموزش دیده در یک محوطه تاریخی بیشتر باشند، آن محل ایمن تر خواهد بود. به همین منظور با همکاری سازمان هلال احمر شهرستان مرودشت دوره آموزشی کمک های اولیه با حضور ۱۰ نفر از کارکنان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و به مدت ۳ روز در محل این پایگاه تشکیل شد و کارکنان، اصول کمک های اولیه همچون مانور هایملیک، سی پی آر، چگونگی برخورد با بیهوشی، نحوه کنترل خونریزی، استفاده از تجهیزات ضروری کمک های اولیه و غیره را فرا گرفتند.



آموزش عملی نحوه اطفاء حریق و کار با کپسول های آتش نشانی

برگزاری دوره آموزشی اطفاء حریق با مشارکت آتش نشانی شهرستان مرودشت در محوطه میراث جهانی تخت جمشید

(کارگروه مدیریت بحران پایگاه میراث جهانی تخت جمشید)

تمرینات اطفاء حریق همواره یکی از برنامه های مهم در محوطه های تاریخی است و ضروری است تا کارکنان این محوطه ها در این زمینه تجربه کسب کنند. در واقع بسیار مهم است تا پرسنل درگیر با آثار تاریخی چگونگی برخورد با حریق، نحوه استفاده از کپسول های اطفاء حریق و همچنین مسیر خروجی های اضطراری را بدانند. از دیگر سو آموزش اطفاء حریق فرصتی مناسب است برای ارزیابی مجدد خطرات، اصلاح آن ها و همچنین وضع قوانین داخلی تا اطمینان حاصل شود در صورت وقوع حریق اقدامات مناسبی صورت می پذیرد و آسیب به آثار تاریخی و کارمندان درگیر با آن کاهش می یابد. همچنین آگاهی نسبت به تکنیک های اولیه ی اطفاء حریق می تواند از تبدیل شدن آتش سوزی های کوچک به شرایط بحرانی جلوگیری کند. به همین منظور با همکاری آتش نشانی شهرستان مرودشت تعداد ۱۰ نفر از پرسنل پایگاه تخت جمشید با اصول اولیه اطفاء حریق در یک دوره آموزشی یک روزه به صورت تئوری و عملی آشنا شدند.



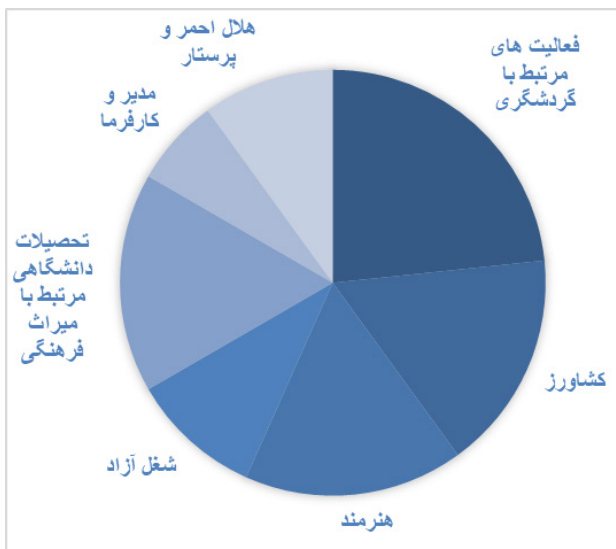
جلب مشارکت جامعه محلی در برنامه های مدیریت بحران مجموعه میراث جهانی تخت جمشید

(کارگروه مدیریت بحران پایگاه میراث جهانی تخت جمشید)

هوایی جهانی نیز کمک کنند. این برنامه درک بهتری از خطرات مختلف تهدید کننده ی جوامع محلی و میراث فرهنگی را ترویج داده که به نوبه خود به اجرای چارچوب 'سندای' برای کاهش خطر بلایا نیز کمک می نماید. به همین منظور با همکاری گروه مدیریت بحران تخت جمشید در یک برنامه یک روزه تعداد ۳۳ نفر منتخبین از اقشار مختلف جامعه محلی به محل محوطه میراث جهانی تخت جمشید دعوت شدند و با تقسیم به گروه های مختلف به همفکری در خصوص شناسایی مشکلات موجود و چگونگی رفع این مشکلات پرداخته شد و نتایج آن جهت کارشناسی بیشتر گردآوری گردید. در نظر است نتایج حاصل از این همفکری در نشست های بعدی با منتخبین جامعه محلی تکمیل گردد.



اجرای طرح های مدیریت بحران برای مجموعه های تاریخی مستلزم مشارکت طیف گسترده ای از ذینفعان اعم از درون سازمانی و برون سازمانی است. به همین منظور در برنامه ریزی مدیریت بحران محوطه میراث جهانی تخت جمشید با توجه به سناریوهای گوناگون خطر، گروه های مختلف جهت همکاری شناسایی شدند. طبق چارچوب منتشر شده سند (Sendai framework for disaster risk reduction) مشارکت جامعه محلی بعنوان موثرترین عامل برای دستیابی به پایداری در مقابله با خطرات طبیعی و همچنین خطرات ناشی از عوامل انسانی شناخته می شود. از دیگر سو این رویکرد به دنبال آن است تا مشارکت جامعه محلی را در تمام مراحل مدیریت بحران از جمله پیشگیری، کاهش خطر، آمادگی، واکنش اضطراری و بازسازی جلب نماید. از سویی با توجه به بررسی های به عمل آمده مشارکت جوامع محلی ساکن در اطراف مجموعه جهانی تخت جمشید به دلایل مختلف بسیار پایین و در برخی مکان ها نارضایتی های بوجود آمده موجب بروز چالش هایی میان اهالی منطقه و متخصصان درگیر در این حوزه شده است. در این خصوص موسسه ایکروم برنامه ای مشارکتی برای ارزیابی چالش ها و افزایش مشارکت جوامع محلی در برنامه های کاهش خطر بلایا و به عنوان فرصتی برای ایجاد درک مشترک از چگونگی کمک میراث فرهنگی و طبیعی یک مکان به کاهش خطر بلایا و توسعه پایدار ارائه کرده است. لازم به ذکر است که این برنامه به دولت ها، سازمان ها و افراد محلی اجازه می دهد تا از یک سو با شناخت نقطه نظرات و انتظارات یکدیگر و از دیگر سو با استخراج دانش و شیوه های سنتی مقابله با خطرات به مدیریت منابع طبیعی و فرهنگی کمک نمایند و همچنین اهداف توسعه پایدار را در اقلیم های مختلف ترویج داده و به سازگاری با تغییرات آب و



گروه های مختلف شغلی دعوت شده برای هم اندیشی

است. به طور کلی چفت و بست نامناسب بین عناصر و اجزای معماری، ضعف بارز ساختمانی این بخش از کاروانسراست. با اتمام دوره مأموریت سامی در پاسارگاد، این ساختمان هم متروکه شده و رو به تخریب می‌گذارد تا جایی که اکنون جز سازه‌ای متزلزل و ناپایدار، با سقفی فرو ریخته و دیوارهای از هم پاشیده که هر لحظه بیم ریزش آن می‌رود، از این بنا باقی نمانده است. همین مسئله و دلایلی دیگر سبب شدند تا موضوع مرمت و استحکام بخشی این بنا به طور جدی برای سال جاری در دستور کار پایگاه قرار گیرد. پیشتر در چند نوبت هم در قالب قرارداد مشاوره و هم در قالب رساله دانشجویی، اقدام به تهیه طرح مرمت برای کاروانسرا شده است، لیکن این مطالعات نیازمند جمع بندی و اتفاق نظر فنی می‌نمود. بر همین اساس پیشنهاد برگزاری شورای فنی پارسه - پاسارگاد در محل کاروانسرا ارائه گردید و در تاریخ ۵ تیرماه ۱۴۰۰ با حضور اعضای، کلیت طرح استحکام بخشی و احیاء ضلع غربی کاروانسرا به تایید رسید. با توجه به کامل بودن اسناد و مدارک، بلافاصله برنامه ریزی برای انجام این پروژه مرمتی در هشت مرحله انجام گرفت. این مراحل عبارتند از: ۱- مهاربندی ۲- برچیدن بخش‌های فرسوده، زائد و غیر قابل نگهداری ۳- آواربرداری ۴- پلاک گذاری بلوک های سنگی ۵- پیاده سازی بلوک های سنگی ۶- دوباره چینی دیوارهای برچیده شده (توأم با بازنگری در انتخاب و نحوه به کارگیری مصالح و اصلاح فنون ساخت) ۷- پوشش دهی ۸- تأسیسات و مبلمان. این پروژه از نیمه تیرماه سال جاری آغاز شده و پیش بینی می‌شود تا پایان سال، پنج مرحله از مراحل هشتگانه فوق به سرانجام برسد. مقرر است پس از پایان عملیات مرمت و استحکام بخشی، با اعطای کاربری درخور و متناسب با ماهیت اثر، به بخشی از نیازهای منطقی مجموعه پاسخ داده شود.

ساماندهی یافته های منقول باستان شناسی پایگاه

با آغاز فعالیت های باستان شناسی در محوطه پاسارگاد از سال ۱۹۲۸ میلادی که ارنست هرتسفلد پیشگام این بررسی ها بود تا به امروز یافته های تاریخی زیادی از دشت پاسارگاد و دشت کمین به دست آمده که برخی از آنها در موزه ملی ایران، برخی در گنجینه اداره کل میراث فرهنگی استان و برخی نیز در موزه تخت جمشید محافظت می شوند. در این میان اما تعداد قابل توجهی اثر و شیء تاریخی شامل: ظروف سفالین، پایه ستون، نقوش برجسته و سنگ نبشته های میخی، سنگ آسیاب، سنگ قبر و قطعاتی از سرستون، استودان، آتشدان به همراه یافته های ریز



آغاز عملیات استحکام بخشی و احیاء ساختمان ضلع غربی کاروانسرای مظفری پاسارگاد

افشین ابراهیمی، مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد

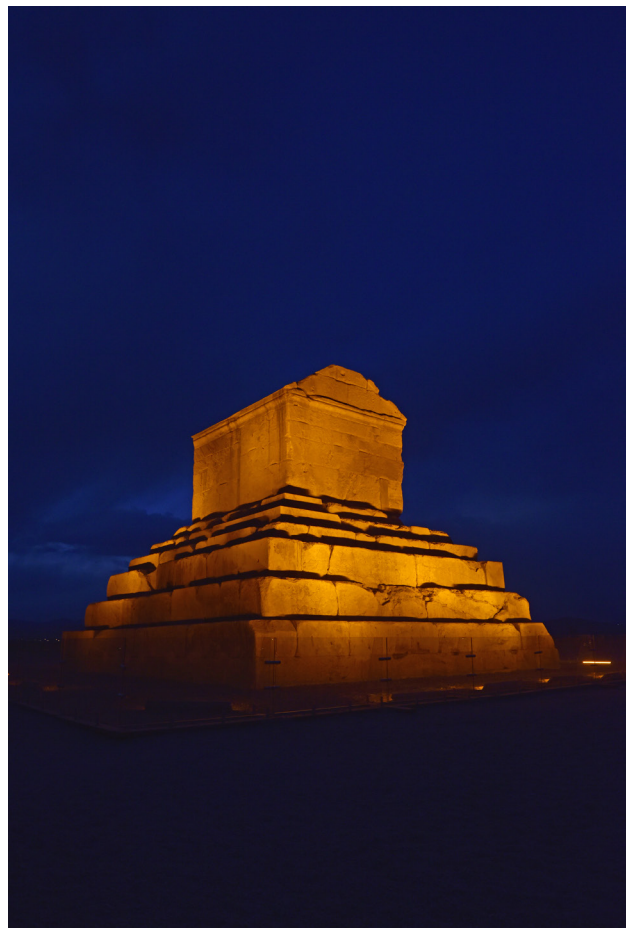
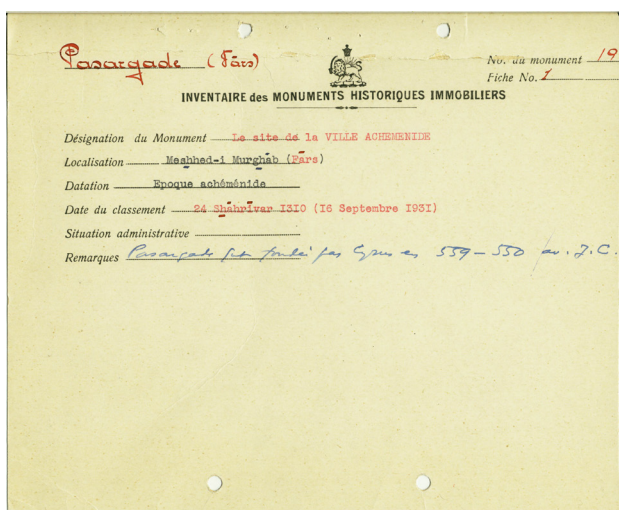
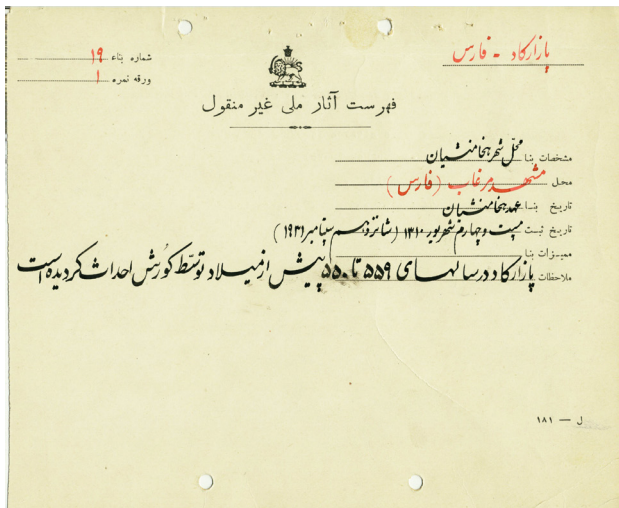
کاروانسرای مظفری در فاصله ۱۴۰ متری ضلع شمال شرقی آرامگاه کوروش واقع شده و مشتمل است بر حیاطی به مساحت ۲۰۸ متر مربع با ایوانی پیرامونی به پهنای ۳/۳۰ متر که حجره های متعدد کوچک و بزرگی در پشت آن وجود داشته است. این بنا در زمان حکمرانی اتابکان در فارس، به دستور شاه شجاع مظفری برای رفاه حال زائران از مشهد مرغاب ساخته شد. در خلال سال های ۱۳۳۲-۱۳۲۸ که مرحوم سامی عهده دار فعالیتهای باستان شناسی در پاسارگاد می‌شود، بخش عمده ضلع غربی کاروانسرا با دخل و تصرفاتی در کالبد معماری اثر، بازسازی می‌گردد و برای انجام امور اداری و فنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شواهد به وضوح نشان می‌دهند که برای بازسازی این بخش از بنا، دقت زیادی به کار نرفته است. آنچنان که پیداست، نمای اصلی ساختمان را سنگ های سفید پاک تراشی تشکیل داده که در دوره آل مظفر برای ساخت کاروانسرا از دیگر کاخ ها جدا شده و به این محل منتقل گردیده اند و در زمان سامی مجددا جمع آوری شده و با تکنیک خشکه چینی بر روی هم قرار می‌گیرند. سایر دیوارها از سنگ های لاشه با ملات گل ساخته شده اند و برای اینکه آب باران به درون جرزها رخنه نکند، با ملات سیمان بندکشی شده اند. سقف بنا نیز به صورت تخت و با آجر و تیر آهن اجرا گردیده

پلکانی سنگی با ۲۹ پله (به نقل از دیوید استروناخ) میسر می شده است. به گمان بسیاری، معماری برج سنگی با طراحی خاص و ظرافت ساخت، در شمار شاهکارهای مهندسی هخامنشیان قرار دارد. سنگ های به کار رفته در این بنا از گونه سنگ های سفید مرمرین است که از معدن کوه سیوند آورده شده اند. از سنگ های سیاه آهکی هم در پنجره های بسته و کور بنا جهت تزئین استفاده شده است. تو رفتگی های منظم مستطیل شکل در نمای خارجی چهار ضلع برج، دیگر عناصر تزئینی بدنه ها هستند که شواهد آنها کماکان باقیست. در مورد کاربری بنا نظرات متعددی مطرح است. گروهی آن را مقبره کمبوجیه، پسر و جانشین کوروش می دانند. بعضی آن را آتشکده یا نیايشگاه دانسته اند و برخی نیز آن را گنج خانه کوروش خوانده اند که در آن اسناد و مدارک مهم دولت هخامنشی نگهداری می شده است. در این میان البته اغلب کارشناسان برای این بنا کارکردی آیینی متصور هستند و معتقدند بنای کعبه زرتشت در نقش رستم از روی این اثر الگو برداری شده است. در دوره اسلامی، برج سنگی را زندان سلیمان می نامیده اند. در حال حاضر این بنا بر اثر گذشت زمان، رها شدگی، تجمع و نفوذ آب باران، حفاری های غیر مجاز، سرقت بست های فلزی، به یغما رفتن بلوک های سنگی، کم توجهی به اقدامات حفاظتی و پاره ای عوامل دیگر، به شدت آسیب دیده و فقط دیواره ضلع شمال غربی اثر نسبتاً پا برجا مانده است. سایر دیوارها و مابقی قسمت ها کاملاً فرو ریخته و بلوک های سنگی در هم شکسته، بر روی هم آوار و در اطراف پراکنده شده اند. در نتیجه این اتفاقات، صفه بنا از حالت اولیه خود خارج شده، شکل و شمایل آن بسیار مخدوش گردیده است. با هدف خواناسازی پلان معماری صفه و برطرف کردن آشفتگی های موجود، پیشتر در خلال سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ عملیات ساماندهی در دو جبهه جنوب غربی و شمال غربی بنا به انجام رسیده و اینک در مرحله سوم، تمرکز بر اصلاح وضعیت جبهه شمال شرقی صفه است. عملیات ساماندهی این بخش از اثر که از نیمه شهریور ماه سال جاری آغاز شده مشتمل بر: مستندسازی، پاکسازی، قطعه یابی، دوباره چینی و وصالی است. آرایش و وصالی بلوک های سنگی از هم پاشیده به دو صورت خشکه چینی و یا به روش پین گذاری (استفاده از مفتول های فایبرگلس) و بکارگیری رزین انجام می گیرد. نکته حائز اهمیت، به دست آمدن شواهد و اطلاعات جدید تاریخی و معماری در حین عملیات ساماندهی است که هر کدام متعاقباً معرفی خواهند شد.

و درشت دیگر همچنان در محل پایگاه نگهداری می شوند. معدودی از این یافته ها که در نتیجه کاوش های علمی به دست آمده اند، دارای شناسنامه هستند و اطلاعات آنها ثبت شده است. مابقی از آنجا که غالباً به صورت اتفاقی یافت شده اند و یا توسط اهالی اهدا گردیده اند و یا اینکه از حفاران غیر مجاز به دست آمده اند فاقد شناسنامه و نظام طبقه بندی هستند. نظر به استاندارد نبودن محیط و شرایط نگهداری آثار و لزوم ساماندهی هر چه سریعتر یافته های موجود، در نخستین گام اقدام به تهیه فرمت شناسنامه بر اساس ماهیت اشیاء مخزن گردید. این شناسنامه شامل چهار فصل مشخصات، معاینات، مستندات و اطلاعات اثر است. بخش مشخصات، اختصاص به نام، جنس، کاربری، اندازه، وضعیت مالکیت، طریقه کشف، محل کشف، مختصات کشف، تاریخ کشف، محل نگهداری، محل ساخت، منشاء فرهنگی، ظرفیت ثبت، ارزش، دوره و قدمت اثر دارد. در بخش معاینات عمدتاً مباحث مربوط به فن شناسی و آسیب شناسی مورد توجه قرار گرفته است. مواردی مثل: مواد تشکیل دهنده اثر، تکنیک ساخت، الحاقات، تزئینات، پوشش، وضعیت سلامت، سابقه مرمت، روند تخریب، علل تخریب و شرایط نگهداری و حفاظت، موضوعاتی هستند که در این بخش به آنها پرداخته می شود. در بخش مستندات علاوه بر تصویربرداری تخصصی، اقدام به گردآوری و طبقه بندی اسناد و مدارک اعم از عکس، اسلاید، طرح، فیلم و گزارش هایی می گردد که از سابقه اثر وجود دارد. در انتها نیز با ذکر اطلاعات تکمیلی شامل: شماره شناسایی، شماره بایگانی، نام تنظیم کننده، نام کنترل کننده و نام تایید کننده، شناسنامه اثر کامل می گردد. این پروژه مطالعاتی پس از تامین اقلام و تجهیزات مورد نیاز، با مشارکت یک کارشناس باستان شناس و یک کارشناس مرمت از اوایل مرداد ماه سال جاری آغاز گردیده و قریب به چهار ماه به طول خواهد انجامید. در ادامه و با اختصاص فضای مناسب برای نگهداری اصولی این آثار منقول، به زودی شاهد راه اندازی بانک یافته های باستان شناسی پایگاه خواهیم بود.

مرحله سوم عملیات ساماندهی صفه بنای برج سنگی پاسارگاد

آنچه امروزه برج سنگی خوانده می شود، بقایای بنای چهار گوش رفیعی است که بر فراز صفه ای سه پله ای قرار گرفته است. ارتفاع برج نزدیک به ۱۴ متر و قاعده آن ۷/۲۳ در ۷/۲۷ متر اندازه گیری شده است. تنها ورودی بنا در جبهه شمال غربی تعبیه گردیده و نزدیک به ۷/۵ متر از سطح زمین ارتفاع دارد. دسترسی به اتاق بالای برج از طریق



آرامگاه کوروش بزرگ، سال ۱۳۹۷ توسط بابک صدیقی

سالروز ثبت جهانی پاسارگاد

۱۷ تیر ۱۳۸۳ / ۷ جولای ۲۰۰۴
سالروز ثبت ملی پاسارگاد
۲۴ شهریور ۱۳۱۰

باغ سلطنتی پاسارگاد، کاخ دروازه، پل، کاخ بارعام، کاخ اختصاصی، دو کوشک، آب نماهای باغ شاهی، برج سنگی، استحکامات دفاعی تل تخت، محوطه مقدس، تنگ بلاغی و کاروانسرای مظفری بوده است. آرامگاه کوروش بزرگ، شاخص ترین بنای بازممانده در این محوطه است که شامل دو بخش اصلی سکوی پلکانی و اتاقک آرامگاه با سقف خزپشته ای است. پاسارگاد تا زمان آخرین پادشاه هخامنشی داریوش سوم، به عنوان یک مکان مقدس مورد احترام بوده و مراسم تاج گذاری پادشاهان در آنجا برگزار می شد. این اثر که در ۲۴ شهریور سال ۱۳۱۰ خورشیدی به شماره ۱۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده؛ سرانجام به سبب دارا بودن ارزش های برجسته جهانی، در سال ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ م)، با معیارهای (i)، (ii)، (iii) و (iv) در نشست بیست و هشتم چین به شماره ۱۱۰۶ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد.

میراث جهانی پاسارگاد در شهرستان پاسارگاد و در استان فارس واقع شده است. کوروش بزرگ در سال ۵۵۰ پیش از میلاد، دولت هخامنشی را به عنوان پهناترین فرمانروایی در تاریخ دنیا پایه گذاری کرد. این دولتمرد پارسی از یورش های بزرگ بیگانگان به ایران جلوگیری کرد و از ترویج دهندگان مسلک نوع دوستی بود که نمونه مستند این گفتار، منشور منسوب به او است. مهمترین سرزمین هایی که کوروش در دوره فرمانروایی اش بر آن ها چیرگی داشت، میان رودان، سوریه، مصر، آسیای صغیر، شهرها و جزایر یونانی و بخشی از هندوستان بوده و این خود شکوه، گستردگی و نیز پایداری سیاسی این دولتمرد و فرمانروای اش را به نمایش می گذارد. وی پاسارگاد را مرکز فرماندهی خود قرار داده و در آنجا اقدام به ساخت کاخ ها و بناهایی کرد. این مجموعه دارای آثاری مانند: آرامگاه کوروش بزرگ،



سالروز ثبت ملی باغ پاسارگاد

۸ تیر ۱۳۹۰ / ۲۹ ژوئن ۲۰۱۱

کرده است. به همین سبب باغ های ایرانی دیگری که در سال های بعد ساخته شد همگی شباهت هایی با باغ پاسارگاد دارند. برای ایرانیان باغ و آب جاری همواره نماد جاودانگی، زندگی ابدی و بهشت بوده است. باغ پاسارگاد با طرح دو مستطیل تودرتو کهن ترین سند موجود از طراحی و ساخت باغ های هندسی معروف به چهارباغ با طراحی قرینه در محور مرکزی است که استفاده از الگوی آن از مرزهای ایران و باختر آسیا فراتر رفته است. آثار به جا مانده از این باغ شامل ۱۱۰۰ متر جوی سنگی تراش خورده است که در مسیر آن در هر ۱۴ متر یک حوضچه چهار گوش یک متر در یک متر سنگی برای افزودن به زیبایی باغ ساخته شده که معمولاً از یک تکه سنگ تراشیده می شده است. این باغ با شبکه گرد آب در جوی های سنگی که به آبراهه معروف است آبیاری می شده است. دو سوی باغ دو کوشک طراحی و ساخته شده بود که از آن ها برای آرمیدن و تماشای فضای دل انگیز باغ استفاده می شده است. همه کاخ ها درون پردیس قرار داشته اند، به گونه ای که هر کاخ دارای فضایی سرسبز و آرام بخش پیرامون خود بوده است. باغ شاهی آب مورد نیاز خود را از رودخانه پلوار برداشت می کرده است. آبراهه ها از دو قسمت تشکیل شده است: ۱. جوی های گذر آب ۲. حوضچه ها. در هر ۹/۵ تا ۱۴ متر جوی یک حوضچه وجود دارد، که حوضچه ها در ابتدا عمل تقسیم آب و آرام کردن سرعت آب در مسیر جوی ها را انجام می داده و دیگر اینکه سبب ته نشین شدن گل و لای موجود در آب می شده است. ابعاد دهانه داخلی این حوضچه ها ۸۷ در ۸۷ سانتیمتر و ژرفای آن ها حدود ۵۲ سانتیمتر است. ژرفا و دهانه جوی های سنگی حدود ۲۵ سانتیمتر و لبه حوضچه ها و جوی ها حدود ۱۵ تا ۱۶ سانتیمتر است. نزدیک به ۱۱۰۰ متر از آبراهه های باغ کاوش شده و از زیر خاک بیرون آورده شده است.

میراث جهانی باغ ایرانی دارای ساختار سنجیده در رابطه میان بستر فرهنگی و طبیعی است و نشانگانی از سازگاری انسان و طبیعت است. باغ های ایرانی ساختار و طراحی یگانه ای دارند که از حس طبیعت دوستی ایرانیان و نیز اندیشه حفظ و نگهداری سرچشمه گرفته است. در اندیشه ایرانی باغ نمادی از بهشت بوده و چهار، که عددی مقدس و نشانگر ۴ پدیده آسمان، آب، خاک و گیاه بوده، بارها در طراحی باغ به کار رفته است. ساختار سه گانه آن نیز چنین است: ۱- قرار گرفتن در کرانه جوی آب ۲- داشتن دیوارهای بلند ۳- وجود بنای کوشک و استخر آب در آن. صاحب نظران، باغ ایرانی پاسارگاد را بن مایه طراحی باغ های ایرانی می دانند. میراث تاریخی و فرهنگی باغ ایرانی به سبب دارا بودن ارزش های برجسته جهانی، در سال ۱۳۹۰ خورشیدی (۲۰۱۱ م)، با معیارهای (i)، (ii)، (iii)، (iv) و (vi) در نشست سی و پنجم پارسیس به شماره ۱۳۷۲ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.

باغ های ایرانی در اصل شرحی از دوره هخامنشی بود که سپس با کمک مفهوم بابلی - آشوری باغ، بازبینی شده و گسترش یافتند. برآیند این گسترش، پردیس یا باغ ایرانی بود. معماری و نظام باغ سازی کهن ایرانی از باغ پاسارگاد به عنوان کانون عرصه پاسارگاد آغاز می شود. به همین سبب، باغ پاسارگاد به عنوان مادر باغ ایرانی در پرونده ثبت جهانی مطرح و هشت باغ دیگر نیز به آن افزوده شد. باغ پاسارگاد کهن ترین باغ ایرانی است که از سده ششم پیش از میلاد و از زمان کوروش بزرگ به جا مانده است. مدارک تاریخی موجود نشان می دهند که کوروش خودش طراحی این باغ را انجام داده و شکل کاشت درختان هندسی سازی باغ را تعیین



احسان یارشاطر در کودکی

به بهانه ۱۰ شهریور ماه، سالروز درگذشت احسان یارشاطر،
مردی که زبان فارسی و وطنش بود

سالشمار زندگی پر بار پرفسور احسان یارشاطر،

برگرفته از کتاب احسان یارشاطر در گفتگو با ماندانا زندیان

مهرناز بردبار

«وطن ما، به یک معنی، سرزمینیست پر از صحراهای فراخ و کوه‌های بلند و رودها و دریاچه‌هایی که در درازای زمان بارها زیر پای مهاجمان مختلف کوفته شده و باز به پاخاسته... ولی ما وطن دیگری هم داریم که در ذهنمان جای دارد. وطنی که رودکی در آن چنگ می‌نواخت و فردوسی از خرد و دلاوری‌های قهرمانان سخن می‌گفت، و خیام سرگردانی انسان را بازمی‌نمایاند و ابوسعید و نظامی و سعدی و مولوی و حافظ، با استادی حیرت‌انگیز، از ظرایف روان انسان - بیش از همه عشق - سخن می‌گفتند. این وطن را می‌توان از گزند حوادث در امان داشت. وطن من این وطن است... وطن من زبان فارسیست.» (احسان یارشاطر در گفتگو با ماندانا زندیان؛ ناشر: شرکت کتاب؛ چاپ: فروردین ۱۳۹۵، صفحات ۱۳۲ و ۱۳۳ کتاب).

۱۲۹۹ خورشیدی، ۱۹۲۰ میلادی
تولد در ۱۲ فروردین (۳ آوریل) در همدان.
۱۳۰۵ خورشیدی، ۱۹۲۶ میلادی
آغاز تحصیلات ابتدایی در همدان.
(احسان یارشاطر سال اول تا چهارم دبستان را در مدرسه تأیید در همدان، سال پنجم و ششم را در مدرسه آلیانس در کرمانشاه و سال هفتم را در مدرسه تربیت در تهران به انجام رساند).
۱۳۱۰ خورشیدی، ۱۹۳۱ میلادی
درگذشت مادر، روحانیه میثاقیه، بر اثر نارسایی کلیه.
۱۳۱۱ خورشیدی، ۱۹۳۲ میلادی
درگذشت پدر، هاشم یارشاطر، بر اثر سینه پهلو.
۱۳۱۳ خورشیدی، ۱۹۳۴ میلادی
ورود به دانشسرای مقدماتی تهران.
۱۳۱۶ خورشیدی، ۱۹۳۷ میلادی
ورود به دانشسرای عالی تهران.
۱۳۲۰ خورشیدی، ۱۹۴۱ میلادی
دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی، کسب رتبه نخست و مدال اول علمی در امتحانات رشته ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم دانشسرای عالی تهران.
تدریس ادبیات فارسی در مدرسه علمیه در تهران.
۱۳۲۱ خورشیدی، ۱۹۴۲ میلادی
پذیرفتن معاونت دانشسرای مقدماتی. آغاز تحصیل در رشته حقوق قضایی و ادامه ی تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران.
۱۳۲۳ خورشیدی، ۱۹۴۴ میلادی
دریافت لیسانس در رشته حقوق قضایی از دانشگاه تهران.
۱۳۲۶ خورشیدی، ۱۹۴۷ میلادی
دریافت درجه دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، زیر نظر دکتر علی اصغر حکمت، موضوع پایان نامه: «شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه ی اول قرن نهم)، یا آغاز انحطاط در شعر فارسی». آغاز کار در جایگاه استادیار زبان و ادبیات فارسی در دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات) دانشگاه تهران. سفر به لندن برای تحصیل و تحقیق در رشته زبانها و تاریخ ایران باستان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن
SOAS
۱۳۳۰ خورشیدی، ۱۹۵۱ میلادی
نوشتن گزارش کنفرانس یونسکو با حضور نمایندگان ۳۰ کشور، درباره توسعه تفاهم بین المللی از راه تدریس و تحریر تاریخ و انتشار آن در مجله ی «تعلیم و تربیت»، سال بیست و پنجم (آبان و آذر). ۱۳۳۰
۱۳۳۱ خورشیدی، ۱۹۵۲ میلادی
دریافت فوق لیسانس در رشته زبانهای فارسی میانه و قدیم از دانشگاه لندن زیر نظر پرفسور والتر برونو هنینگ Walter Bruno Henning



آغاز تدریس زبانهای فارسی باستان و اوستایی در جایگاه دانشیار در دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران.

تصحیح و نوشتن مقدمه و حواشی بر ترجمه ی فارسی «الاشارات و التنبیهات» و «پنج رساله» ابن سینا.

پیوستن به نویسندگان مجله ی سخن و آغاز نوشتن سلسله مقالات معرفی نقاشی مدرن در این نشریه.

۱۳۳۲ تا ۱۳۳۷ خورشیدی، ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۸ میلادی

تدریس در جایگاههای دانشیاری زبان و ادبیات فارسی، دانشیاری زبانهای باستانی ایران همراه استاد پورداود، و در نهایت تدریس کرسی «فرهنگ ایران باستان» پس از بازنشستگی استاد پورداود.

۱۳۳۳ خورشیدی، ۱۹۵۴ میلادی

بنیاد گذاردن بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران.

۱۳۳۴ خورشیدی، ۱۹۵۵ میلادی

آغاز مطالعه و ثبت لهجه ی تاتی جنوبی در روستاهای ایران. انتشار پایان نامه ی دکتری احسان یارشاطر در هیأت کتاب مستقل «شعر فارسی در عهد شاهرخ» نیمه ی اول قرن نهم (یا آغاز انحطاط در شعر فارسی» توسط انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳۳۵ خورشیدی، ۱۹۵۵ میلادی

دبیری «انجمن فلسفه و علوم انسانی»، وابسته به یونسکو. پذیرفتن دعوت دانشگاه کمبریج برای تدوین تاریخ ایران، از پایان حکومت هخامنشیان تا پایان دوران ساسانی، در دو مجلد. احسان یارشاطر دو فصل «تاریخ ملی ایران» و «آیین مزدک» و نیز مقدمه ی این مجموعه را شخصا تألیف کرد.

۱۳۳۶ خورشیدی، ۱۹۵۷ میلادی

سردبیری مجله ی سخن برای یک سال، در دوران سفر دکتر ناتل خانلری به لبنان. بنیادگذاردن انجمن کتاب و مجله ی راهنمای کتاب با همکاری ایرج افشار و مصطفی مقربی. انتشار «داستانهای ایران باستان» شامل داستانهای آرش کمانگیر از متن اوستایی، «تشریشت و آثار الباقیه بیرونی؛ هرمزد و اهریمن از متن پهلوی، بند هشتم بزرگ؛ داستان جمشید از متن اوستایی، وندیداد فصل دوم؛ فرشته باران و دیو خشکی، از متن اوستایی تشریشت، متن پهلوی؛ فره ایزدی، از متن اوستایی زامیاد یشت؛ زادن زرتشت، از متن پهلوی دینکرت؛ داستان آفرینش، از متن های پهلوی و پارتی مانوی؛ جنگ رستم با دیوان، از متن سغدی؛ زیر و آرجاسب، از متن پهلوی یادگار زریران؛ داریوش بزرگ و گوماتا، از متن پارسی باستان، کتیبه ی داریوش در بیستون و تاریخ هرودوت کتاب سوم؛ اردشیر بابکان، از متن پهلوی، کارنامه اردشیر بابکان (این اثر یک سال بعد از انتشار، جایزه ی سلطنتی بهترین کتاب سال را دریافت کرد).

۱۳۳۷ خورشیدی، ۱۹۵۸ میلادی

آغاز تدریس در جایگاه دانشیار میهمان در دانشگاه کلمبیا در نیویورک.

انتشار چاپ یکم برگزیده ای از داستانهای شاهنامه ی فردوسی به نشر، در مجموعه ی ایرانشناسی انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب (این اثر در سال ۱۹۵۹ میلادی برنده ی جایزه ی ادبی یونسکو شد).

۱۳۳۹ خورشیدی، ۱۹۶۰ میلادی

دفاع از دومین پایان نامه ی دکتری در مسکو همزمان با برگزاری کنگره ی شرق شناسی مسکو و دریافت درجه ی دکتری از دانشگاه لندن، زیر نظر پرفسور والتر برونو هنینگ، موضوع پایان نامه:

A Grammar of Southern Tati Dialects

(دستور زبان لهجه های تاتی جنوبی).

۱۳۴۰ خورشیدی، ۱۹۶۰ میلادی

ازدواج با لطیفه الویه. آغاز تدریس در جایگاه استاد کرسی ایران شناسی، کرسی هاگوب کورکیان در دانشگاه کلمبیا.

۱۳۴۱ خورشیدی، ۱۹۶۲ میلادی

آغاز کار بر مجموعه ی میراث ایران:

Persian Heritage Series

(برای ترجمه ی متون کلاسیک فارسی به زبانهای مهم غربی). این طرح که در پروژه ی مجموعه آثار ارزشمند یونسکو نیز جای گرفت، با طرح سازمان فرهنگی آموزشی یونسکو ادغام شد و با تشکیل شورای ویراستاری به سرپرستی احسان



A Grammar of Southern Tati Dialects

انتشارات دانشگاه کلمبیا با همکاری انتشارات
موتن Mouton

۱۳۴۹ خورشیدی، ۱۹۷۰ میلادی

گذرانیدن یک فرصت پژوهشی یک ساله در
دانشگاه گوتینگن آلمان، به دعوت والتر هینتز.

Walter Hintz

۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ خورشیدی، اواخر ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ میلادی

ریاست گروه زبان ها و تمدنهای خاورمیانه در
دانشگاه کلمبیا برای بار دوم.

۱۳۵۰ خورشیدی، ۱۹۷۱ میلادی

پیشنهاد ترجمه ی تاریخ طبری به دست
اندرکاران طرح ترجمه ی آثار برگزیده در یونسکو)
این پیشنهاد مورد پذیرش هیأت ناظر بر ترجمه
های عربی این طرح قرار نگرفت و احسان
یارشاطر، شخصا، امکان این ترجمه را فراهم آورد).

۱۳۵۱ خورشیدی، ۱۹۷۲ میلادی

انتشار مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس
ایرانشناسی سال ۱۹۶۸ دانشگاه کلمبیا، با
ویراستاری احسان یارشاطر، در کتابی با عنوان
ایران، رویاروی دهه ی هفتاد

(Iran Faces the Seventies, New York, Praeger
Publishers INC)

فراهم آوردن مقدمات تألیف و انتشار دانشنامه
ایرانیکا.

۱۳۵۳ خورشیدی، ۱۹۷۴ میلادی

بنیادگذاران دانشنامه ایرانیکا و برپایی دفتر
دانشنامه در مرکز ایرانشناسی دانشگاه کلمبیا.

۱۳۵۴ خورشیدی، ۱۹۷۵ میلادی

آغاز انتشار دانشنامه ایران و اسالم در بنگاه
ترجمه و نشر کتاب.

۱۳۵۶ خورشیدی، ۱۹۷۷ میلادی

یارشاطر به خلق چهل و پنج عنوان ترجمه
به زبانهای انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی، آلمانی و
ژاپنی انجامید).

۱۳۴۴ خورشیدی، ۱۹۶۵ میلادی

همکاری در تدوین اطلس زبان شناسی ایران،
در جایگاه نایب رئیس انجمن شناخت لهجه های
ایرانی

Societe de la Dialectologie Iranienne

سرپرستی طرح گردآوری لهجه های پراکنده در
ایران.

۱۳۴۵ خورشیدی، ۱۹۶۶ میلادی

انتشار کتاب «نقاشی نوین» در دو مجلد. مجلد یکم: از
امپرسیونیسم تا کوبیسم؛ مجلد دوم: از کوبیسم تا پاپ
آرت با نام قلمی رهسپر. انتشار ترجمه ی تذکره اولیاء
عطار به عنوان نخستین مجلد از مجموعه ی میراث ایران،
با ترجمه ی ا.ج. آربری

A. J. Arbery

۱۳۴۶ خورشیدی، ۱۹۶۷ میلادی

ریاست گروه زبانها و تمدن های خاورمیانه در
دانشگاه کلمبیا (برای یک سال) ریاست هیأت
تحریریه ی انتشارات دانشگاه کلمبیا در بخش
مطالعات خاورمیانه. بنیادگذاران مرکز تحقیقات
ایرانشناسی دانشگاه کلمبیا و به عهده گرفتن
ریاست این مرکز.

۱۳۴۷ خورشیدی، ۱۹۶۸ میلادی

برگزاری کنفرانس بین المللی درباره ی شرایط
فرهنگی، ادبی، اجتماعی و اقتصادی ایران در مرکز
تحقیقات ایرانشناسی دانشگاه کلمبیا، همراه با
برگزاری نمایشگاه نقاشی از آثار نقاشان آن روزگار
ایران.

۱۳۴۸ خورشیدی، ۱۹۶۹ میلادی

انتشار دومین پایان نامه ی احسان یارشاطر در
هیأت یک کتاب مستقل با عنوان:

به زبان انگلیسی با توضیحات و حواشی در چهل مجلد، با سرپرستی و ویراستاری احسان یارشاطر. ۱۳۸۸ خورشیدی، ۲۰۰۹ میلادی

انتشار نخستین مجلد مجموعه ی تاریخ ادبیات فارسی با عنوان General Introduction to Persian Literature به ویراستاری توماس دوبرن J.D.P.de Bruijn؛ و انتشار مجلد مکمل و همراه این اثر با عنوان The Literature of Pre Islamic Iran به ویراستاری رونالد امریک Ronald E. Emmerick. و ماریا ماتسوخ Maria Macuch، زیر نظر احسان یارشاطر.

۱۳۸۹ خورشیدی، ۲۰۱۰ میلادی
انتشار مجلد همراه و مکمل مجلد دوم مجموعه ی تاریخ ادبیات فارسی با عنوان:

Oral and Popular Literatures of Iranian Languages (Kurdish, Pashto, Balochi, Ossetic, Tajik and Persian)

به ویراستاری فیلیپ جی کرینبروک (G. Philip Kreyenbrok) و اولریش مارزلف (Ulrich Marzolph) زیر نظر احسان یارشاطر. انتشار نسخه ی فارسی مجلد یکم مجموعه تاریخ ادبیات فارسی، و مجلد همراه و مکمل آن با عناوین «مقدمه ای کلی بر ادبیات فارسی» با ترجمه ی مجدالدین کیوانی و ادبیات ایران پیش از اسلام با ترجمه ی گروهی از مترجمان، زیر نظر ژاله آموزگار، توسط انتشارات سخن در تهران.

۱۳۹۰ خورشیدی، ۲۰۱۱ میلادی
انتشار ترجمه ی تاریخ بیهقی به زبان انگلیسی، با عنوان: The History of Beyhaqi با ترجمه ی کلیفورد ادmond باورث E. C Bosworth و ویراستاری محسن آشتیانی، زیر نظر احسان یارشاطر.

۱۳۹۱ خورشیدی، ۲۰۱۲ میلادی
انتشار مجلد دهم مجموعه تاریخ ادبیات فارسی با عنوان: Persian Historiography به ویراستاری چارلز ملویل (Charles Melville)، زیر نظر احسان یارشاطر.

۱۳۹۴ خورشیدی، ۲۰۱۵ میلادی
برگزیده شدن سامانه ی ایرانیکا، از سوی انجمن کتابخانه های آمریکا، به عنوان یکی از بهترین مراجع اینترنتی در دسترس برای همگان در سال ۲۰۱۴ میلادی. دریافت مدال ایس آیلند، نشانی آمریکایی برای ادای احترام به تلاش ها و دستاوردهای مهاجران اثرگذار بر جامعه ی میزبان. ۱۳۹۵ خورشیدی ۲۰۱۶ میلادی

انتشار کتاب احسان یارشاطر در گفتگو با ماندانا زندیان (شرکت کتاب لوس آنجلس) ۱۳۹۷ خورشیدی ۲۰۱۸ میلادی

دهم شهریور برابر با اول سپتامبر، درگذشت پرفسور احسان یارشاطر در اثر کهولت سن.

فراهم آوردن مقدمات ترجمه ی تاریخ طبری به زبان انگلیسی با همراهی گروهی از مورخان و پژوهشگران.

۱۳۵۷ خورشیدی، ۱۹۷۹ میلادی
کامل شدن نخستین جزوه ی دانشنامه ایرانیکا. Fascicle. پایه گذاری گفتارهای مطالعات ایرانی دانشگاه کلمبیا. (در این برنامه هر دو سال یک بار از یک ایرانشناس برای ایراد پنج سخنرانی در دانشگاه کلمبیا دعوت می شود. مجموعه ی این سخنرانی ها به صورت جامع تر و مفصلتر در هیأت کتاب منتشر می شود).

۱۳۵۸ خورشیدی، ۱۹۸۰ میلادی
عضویت در کمیته ی ناظر شعبه ی اسمی موزه ی متروپولیتن نیویورک به دعوت ال موزه.

۱۳۶۱ خورشیدی، ۱۹۸۲ میلادی
انتشار نخستین مجلد دانشنامه ایرانیکا توسط ناشر انگلیسی، راتلج و کیگان پال.

Publishers Paul Kegan and Routledge
۱۳۶۲ خورشیدی، ۱۹۸۳ میلادی
تأسیس بنیاد میراث ایران:

Persian Heritage Foundation
۱۳۶۵ خورشیدی، ۱۹۸۶ میلادی

از سرگیری انتشار مجموعه ی متون فارسی (نخستین اثر این مجموعه تصحیح انتقادی شاهنامه توسط دکتر جلال خالقی مطلق، استاد دانشگاه هامبورگ؛ و اثر دیگر کلیات عبید زاکانی با تصحیح دکتر محمدجعفر محجوب است).

۱۳۶۸ خورشیدی، ۱۹۸۹ میلادی
عضویت در کمیته ی ناظر گروه آموزشی خاورمیانه در دانشگاه هاروارد به دعوت دانشگاه.

تحويل قسمتی از اسناد و مکاتبات شخصی به انستیتو هوو Tute, Hoover Insti دانشگاه استفورد برای ضبط در دانشگاه.

۱۳۶۹ خورشیدی، ۱۹۹۰ میلادی
رسیدن به زمان بازنشستگی و ادامه ی تدریس «علوم انسانی در آسیا» به دعوت دانشگاه کلمبیا.

ادامه ی مدیریت مرکز ایرانشناسی دانشگاه کلمبیا. ۱۳۷۰ خورشیدی، ۱۹۹۱ میلادی

دریافت جایزه ی جورجیو لوی دالویدا Giorgio Levi Della vida برای مطالعات اسالمی از سوی مرکز تحقیقات خاورشناسی دانشگاه کالیفرنیا.

۱۳۷۸ خورشیدی، ۱۹۹۹ میلادی
درگذشت همسر، لطیفه الویه، بر اثر سرطان.

بازنشستگی از دانشگاه کلمبیا (یارشاطر تا سال ۲۰۰۳ که لرزش دست، امکان نوشتن را برایش دشوار کرد، به رغم بازنشستگی رسمی، همچنان به تدریس ادامه داد).

۱۳۸۵ خورشیدی، ۲۰۰۵ میلادی
آغاز طرح تدوین مجموعه تاریخ ادبیات فارسی A History of Persian Literatu در هجده مجلد.

۱۳۸۶ خورشیدی، ۲۰۰۷ میلادی
به انجام رسیدن ترجمه ی کامل تاریخ طبری



تصویر ۱. محوطه تخت گوهر و موقعیت دو بنای آن، دید از بالا (عکس: علی اقرآء)

سکو منتقل کرد و به دلیل شباهت این بنا با آرامگاه کوروش، بنا را آرامگاهی نیمه تمام خواند (هرتسفلد، ۱۳۵۴). علی سامی همزمان با کاوش در تخت جمشید در محوطه تخت گوهر نیز اقداماتی انجام داده و تعدادی بلوک سنگی کشف کرده است (سامی، ۱۳۳۰). آن بریت تیلیا در ۱۹۷۳ م. در نزدیکی بنای تخت گوهر بقایای کوشکی همزمان با دوره هخامنشی کشف کرده است. پس از وی در سال ۱۹۷۵ م. جوزپه تیلیا و شاپور شهبازی سنگهای برداشته شده توسط هرتسفلد را سر جای خود قرار داده و آن را بازسازی می کنند. بر اساس مدارک باستان شناختی در نزدیکی بنای تخت گوهر، یک کوشک از دوره هخامنشی و احتمالاً همزمان با تخت گوهر وجود دارد که در سال ۱۹۷۳ میلادی به کوشش آن بریت تیلیا کاوش و نتایج آن منتشر شد (تیلیا، ۱۹۷۸). اطلاعات به دست آمده از کاوش کوشک حاکی از آن است که تالار مرکزی دارای ته ستونهای گرد از سنگ آهک تیره و در ایوان آن پایه ستونهای گرد سنگ آهک سفید استفاده شده است. مدتی پس از این که کوشک از زیر خاک بیرون آورده شد دوباره با خاک پوشانده شد. به دلیل این که کاوشگر آن مرمتگر بوده نه باستان شناس، لذا امروزه ضرورت دست یابی به یافته های باستان شناسی و توصیف و تحلیل باستان شناختی آن برای دستیابی به داده های مورد نظر این بنا و فضاهای احتمالی

تخت گوهر و اهمیت دو بنای هخامنشی آن

اکبر عزیزی

تخت گوهر (تخت رستم) محوطه ای باستانی است که در میانه راه تخت جمشید به نقش رستم، و در فاصله ۵۰۰ متری شمال باختری نقش رجب قرار گرفته است. این محوطه شامل دو بنا است: (۱) تخت گوهر بنایی نیمه تمام است که تا حد زیادی مشابه آرامگاه کوروش در پاسارگاد است. (۲) بنای ستونداری که نقشه ساخت آن مشابه کاخ S در پاسارگاد است. این محوطه و بنای نیمه تمام آن، همواره مورد توجه پژوهشگران و متخصصان باستان شناسی و تاریخ دوره هخامنشی بوده است. نخستین کسانی که این بنا را دیده و معرفی کرده اند، اوژن فلاندن و پاسکال گست هستند که در سال ۱۸۴۰ م. از این بنا نام برده اند (فلاندن، ۱۳۵۶). پس از آن در سال ۱۸۸۸ م. ادوارد براون اشاره ای به بنای تخت گوهر می کند (براون، ۱۳۷۶). در سال ۱۸۹۰ م. جرج گرزن از بنا بازدید کرد (گرزن، ۱۳۴۹). به سال ۱۹۰۳ م. جکسن در سفرنامه خود از بنای تخت گوهر نام می برد (جکسن، ۱۳۵۲). هرتسفلد نخستین باستان شناسی بود که در حول و حوش این بنا کاوش کرد و به دنبال یافتن کتیبه، سنگهای روی بنای تخت گوهر را جابجا و به پایین



تصویر ۲. بنای نیمه تمام تخت گوهر، نمای جنوبی (عکس: نگارنده)

باستان‌شناسی و محدود متخصصان رشته‌های مرتبط و گردشگران ایرانی و خارجی از وجود این محوطه مهم دوره هخامنشی بی اطلاع هستند نیاز به تعریف مسیر بازدید گردشگران و شناساندن آن به مردم ضروری است.

منابع:

- براون، ادوارد، ۱۳۷۶. یک سال در میان ایرانیان، ترجمه ذبیح اله منصوری، تهران، صفار - فخر رازی.
- جکسن، ویلیام، ۱۳۵۲. سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر احمدی، تهران، خوارزمی.
- سامی، علی، ۱۳۳۰. کاوشهای دوازده ساله بنگاه علمی تخت جمشید در نقاط مختلف تاریخی.
- فلاندن، اوژن، ۱۳۵۶. سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: اشرافی.
- کرزن، جرج، ۱۳۴۹. ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- هرتسفلد، ارنست، ۱۳۵۴. تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انجمن آثار ملی.

وابسته به آن بسیار مهم است. بر اساس شواهدی که تیلیا بر شمرده است؛ عدم کاربرد ابزار دندان شانه‌ای، تالار مرکزی و دو ایوان شبیه کاخ S پاسارگاد و ترکیب سنگ تیره و روشن در پایه ستونها تاریخ این کوشک و تخت گوهر به اوایل دوره هخامنشی باز می‌گردد.

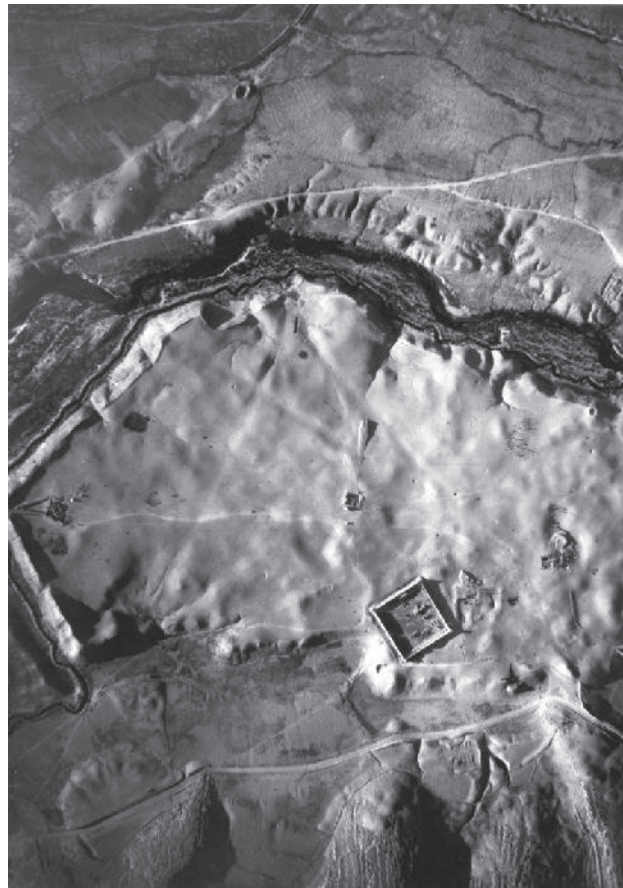
این محوطه به دلایلی چند کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هر چند اهمیت تاریخی آن کمتر از مجموعه نقش برجسته‌های ساسانی نقش رجب در فاصله ۵۰۰ متری آن نیست. متأسفانه تا امروز تلاش جدی در زمینه ساماندهی، حفاظت، مرمت و پژوهش‌های باستان‌شناسی با هدف شناساندن آن انجام نگرفته است. به رغم فاصله نزدیکی که نسبت به تخت جمشید، نقش رجب، نقش رستم و شهر استخر قرار دارد، آسیبهایی وارد شده به بنای تخت گوهر به دست قاچاقچیان و سوداگران میراث فرهنگی به سبب نبود حصار فیزیکی و نگهبان و رشد فزاینده و کنترل نشده فعالیت‌های کشاورزی که سبب تخریب سطح محوطه بنای ستوندار و فضای بین این دو اثر شده است، ضرورت و اهمیت اجرای طرح ساماندهی محوطه را دو چندان کرده است. علاوه بر آن، این محوطه در مسیر مهم ارتباطی تخت جمشید به نقش رستم قرار دارد و از آنجا که به غیر از جامعه

رودخانه پلوار توسط سد سیوند بسته شده است و از قضا از همان زمان نیز رودخانه و سد مذکور به خاطر خشکسالی های پی در پی خالی از آب هستند).

در محدوده شمالی باختری شهر استخر؛ امتداد دره رود پلوار به کوه نقش رستم (یا کوه حسین) می رسد و در دامنه این کوه است که آثار متعددی از دوره های گوناگون تاریخ ایران از جمله ایلامی و هخامنشی تا سده های متاخر اسلامی به صورت نگاره های صخره ای بازمانده اند.

در سوی دیگر دره پلوار نیز پوزه شمالی کوه مهر (رحمت) قرار دارد. در اینجا و در دامنه های کوه مذکور نیز به ترتیب از غرب به شرق سنگ نگاره های ساسانی نقش رجب و سپس در مجاورت شهر استخر استودان ها و گورهای ساسانی و آغاز اسلامی پراکنده هستند. در امتداد جنوب غربی شهر استخر و با فاصله کمتر از ۳ کیلومتری آن اثر موسوم به تخت گوهر قرار گرفته است، بنایی ناتمام از دوره هخامنشی و شبیه به سکوی زیرین آرامگاه کوروش بزرگ. سه کوه جدا شده واقع در قسمت شمالی دشت مرو دشت، (موسوم به سه گنبدان به طور سنتی با گذشته شهر استخر مرتبط دانسته شده اند). در بالای کوه میانی بقایای یک دژ با مخازن آب و همچنین یک کتیبه فارسی میانه که بر روی صخره یافت شده، قرار دارد.

بقایای خود شهر استخر در حاشیه پوزه جنوبی کوه مهر، به شکل یک دوزنقه در گستره ای به بزرگی ۵۰ هکتار و ارتفاع متوسط حدود ۹ متر قرار گرفته است. تپه دارای شکل نامنظم است. البته بیشترین ارتفاع شهر که مربوط به باروی باختری آن است در حدود ۱۶ متر است. حضور فصلی گله های بز و گوسفند، که گاهی از تپه شهر بالا می روند و از آنجا عبور می کنند، هر ساله به فرسایش بیشتر باروهای شهر می انجامد. رودخانه پلوار در مجاورت باروی شمالی و شمال باختری شهر به سمت غرب امتداد دارد. یک نوار مسطح از زمین زیر کشت بین محدوده اصلی شهر و دو تپه کوچک منشعب از آن در بخش خاوری قرار دارد. مجموع بدنه اصلی شهر و دو تپه کوچک مذکور در حدود ۶۲ هکتار است. در محدوده خاوری و باختری شهر و با فاصله از آن برخی کارخانه های صنعتی و کوره های آجر قرار دارد. در شمال شهر و در آن سوی رودخانه پلوار برخی بقایای معماری و آثار تپه های کم ارتفاع باقی مانده که اگر هم نتوان آنها را بخشی



تصویر هوایی شهر استخر (اریک. اف. اشمیت)

شهر استخر؛ بررسی عوارض جغرافیایی و شواهد باستان شناختی پیرامون محوطه

احمد علی اسدی

شهر استخر در امتداد جنوب باختری دره رود پلوار که دشت مرو دشت را به ناحیه پاسارگاد پیوند می دهد، قرار گرفته است. این دره بخشی از مسیر تاریخی فارس به اصفهان است و از زمان های بسیار دور تا به امروز مورد استفاده قرار داشته است. امروزه دو راه آسفالت - یکی قدیمی در امتداد جنوبی شهر استخر و دیگری راه جدیدی که از شمال این محوطه عبور می کند - و همچنین یک مسیر راه آهن، اهمیت ارتباطی این دره را حفظ کرده و بر آن مهر تایید می زند. رودخانه پر پیچ و خم پلوار - که به آن سیوند نیز گفته می شود - با عبور از حاشیه میانه دشت پاسارگاد و دره کوچک بلاغی و سپس با عبور از دره رود پلوار و حاشیه شهر استخر به رودخانه کر در میانه دشت مرو دشت سرازیر می شود. در طول سده های مختلف و بویژه در دوره اسلامی دره رود پلوار و دشت مرو دشت از مراکز کشت برنج و غلات بوده اند. (از سال ۱۳۸۷،



کوه استخر - یا میان قلعه - در حاشیه خاوری دشت مروودشت.

پیش از اسلام شهر و زمان تسلط آیین زردشتی بر آن بوده است. دو کتیبه گور به خط فارسی میانه در دامنه های جنوبی شهر و در نزدیکی یک مرغداری قرار گرفته در آن محدوده شناسایی شده و تاریخ آنها سده یکم اسلامی (۶۶۴ و ۶۷۵ م.) است. همچنین در همان محل یک تپه با قاعده دایره ای وجود دارد که به نظر مصنوعی و دارای شواهد سکونتی است. در سطح این تپه سفال سده نخست اسلامی پراکنده شده و نشانگر این است که همانند محدوده شمالی شهر، از جانب جنوبی نیز ساختارها و سازه هایی در بیرون باروها ولی مرتبط با شهر وجود داشته است. (ادامه دارد....).

از شهر به حساب آورد، ارتباط مستقیمی با آن داشته اند. درست در جنوب محدوده شهر و در محلی که شهر استخر با کوه مهر تقریباً به هم پیوسته می شوند، بقایای بنایی سنگی باقی مانده، که در نوشته های جهانگردان پیشین با عنوان دروازه شهر استخر از آن نام برده شده است. کاربری و تاریخ ساخت بنای مذکور چندان مشخص نیست، با این حال توافقی کلی درباره پیش از اسلامی بودن آن وجود دارد. در سطح صخره هایی از کوه مهر که در نزدیکی جنوب خاوری شهر قرار دارد، گودالهای مستطیلی با اندازه متغیر تراشیده شده که به نظر دخمه هایی مربوط به جایگاه ابدی مردگان در ادوار



نمایی از شهر استخر

“... Without the understanding and support of the public at large, without the respect and daily care of the local communities, which are the true custodians of World Heritage, no amount of funds or army of experts will suffice in protecting the sites.”

KOICHIRO MATSUURA, DG UNESCO

«... بدون درک و حمایت عموم مردم، بدون احترام و مراقبت روزانه جوامع محلی، که حافظان واقعی میراث جهانی هستند، هیچگونه بودجه یا ارتش متخصصان در حفاظت از اماکن کافی نخواهد بود.»

کوچیرو ماتسورا، مدیر کل یونسکو

